

نامه
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۷
دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۹، مطابق با
۱ محرم ۱۴۰۱، شماره ۱۵، سال

اتحاد انقلابی خلق

برنده ترین سلاح در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

یکی از توصیه های شورای عالی دفاع، تحکیم وحدت و انفاق و جلوگیری از نفاق است. ما از این توصیه بیجا و درست شورای عالی دفاع نیز، مانند همه تصمیمات و توصیه های اصولی و انقلابی آن، پشتیبانی می کنیم و با تمام نیروی خود برای تحقق یافتن آن کوشش می کنیم و خواهیم کوشید.

در واقع شعار تحکیم اتحاد و تمرکز همه نیروی خلق پریمی دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، زیر رهبری امام خمینی، یکی از عمده ترین شعارها و از نظر منافع بنیادی و درونگر انقلاب، عمده ترین شعار حزب توده ایران بوده است. صفحات ارگان مرکزی حزب، شمارهای وحدت آفرین، دعوت به صداقت

پیمان با خون شهدای شب اول محرم برای ادامه نبرد با آمریکا

دیشب، در بانک خروشان «الله اکبر» شبی شکفت در تاریخ وطن. ماه جاودانگر خویش را فریاد زد. در سیاه مطلق شب، که تنها سینه ریز ستارگان تاریکی دشمن شکش را رنگ حماسه میزد. آن انزواج خبیثه، که در زاله و ری به استقبال مسلسل های آمریکایی رفتند، از بستر سیلابی خون خویش بر - خاستند و در رزه عظیم خود، نابودی دشمن اصلی خلق را طلب کردند.

دیشب، درمین سالگشت شب خونین اول محرم بود. دو سال پیش، در چنین شبی، وطن انقلابی ماه زیر سایه سنگین دژخیمان از هزاری سرخو شد. ۷۷۷ کودکان وطن ما، غرش تانک ها و رگبار مسلسل ها بود. ۱۵ روز از حکومت نظامی از هزاری میگذشت. شاه خائن که گفته بود: هر یک از انقلاب را شیلنگ می کشد، در پاسخ آن، دژخیمان را به خیابان ها فرستاده بود. روزنامه ها تعطیل بود. نفس کشیدن ممنوع بود. پاسخ هر فریاد، رگبار مسلسل بود. در این سکوت و خفقان، توده های میلیونی در خانه های خویش آخرین میخها را بر تاجوت سلطنت می کوبیدند. اعتراض سراسری کارگران و کرمندان قهرمان نفت ادامه داشت. هر شب، وقتی بلندگوهای شاه از تلویزیون پخش اخبار ساواک و ژنرال های آمریکایی را آغاز می کردند، برق خاموش و یارو های دژخیمان در گلو خن می شد.

آنشب خونین هم چنین شد. در دست ساعت ۹ شب، شمس خاموش شد. لفظی آمد، اولین طنین خروشان «الله اکبر» از خانه های زاله و ری برخاست. چند دقیقه بعد شهر یک دهان حجت بود که این بانگ را تکرار می کرد:

الله اکبر، الله اکبر.....
گرم های شاه به هراس افتادند
نور تانک ها و هلیکوپترها شهر را روشن کرد و آنکه صدای رگبار مسلسل ها، با طنین الله اکبر در هم آمیخت. از زمین و هوا مردم را به رگبار مسلسل ها بستند. در پاسخ مسلسل ها، فریادها توفانی تر شد و تا کبان توده های کهن پوش به خیابانها ریختند و فرمان حکومت نظامی را باطل کردند. در خیابانها فریاد:

الله اکبر
مرگ پرتشاه
مرگ پر آمریکا
جاری بود. دژخیمان بیژن را آغاز کردند. در همان لحظت اول، خیابانها از بیکرهای خونین شهدا پر شد. زن و مرد و کودک به استقبال تانکها می رفتند. زنجیر تانکها قامت های پهلوانی خلق را بزین می دوخت و می گشت. اما صف خلق برپایان بود.

این رزم حماسی تا سحرگاه ادامه یافت. وقتی خورشید در زوال بود، در صفحه ۲

جنگ عادلانه

بامتجاوزین صدامی همچنان ادامه دارد

* طبق اخبار منتشره توسط خبرگزاری پارس، دفتر مرکزی خبر و ستاد مشترک رزمندگان جمهوری اسلامی ایران، در روزهای ۱۷ و ۱۸ آبان ضربات مهمی بر دشمن وارد ساخته اند.

* رزمندگان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران سکوهاي نفتی عراق را منهدم ساختند.

جنگ میان مدافعان دلیر جمهوری اسلامی ایران، امم از پاسداران سلحشور، ارتشیان دلاور بامتجاوزین جنایتکار صدامی در جبهه های جنوب و غرب کشور همچنان ادامه دارد. طبق گزارش دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس، از جبهه بیروز نبرد در اکثر جبهه های غرب کشور علیه فرورکنش سربان در شب قبل، از سر گرفته شد. براساس این گزارش در جبهه کالیفرنیا علیه فرورکنش سربان، جنگ میان نیروهای جمهوری اسلامی ایران و متجاوزین صدامی با شدت ادامه دارد. طبق همین گزارش، بر اثر آتش توپخانه مدافعان انقلاب، در یک منطقه استراتژیک ایلام تعدادی مواضع نیروهای دشمن منهدم شده و به آن تلفاتی وارد آمده است. در این نبرد سه موضع توپخانه دشمن در این منطقه خاموش شد.

بگزارش خبرگزاری پارس از کرمانشاه، بریزروز در یک نبرد ۱۲ ساعته در جبهه گیلان غرب، چند موضع و تعدادی سنگر و تجهیزات دشمن نابود شد و جنگ در این جبهه و همچنین جبهه سوماره، تمام. بقیه در صفحه ۲

ادعای «بیطرفی» و «عدم مداخله» آمریکا در جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم صدام حسین علیه ایران انقلابی، دروغ رسوائی است

تجاوز کارانه، بدرستی دریافته و مردم رزمنده ایران و همه جهانیان اعلام کردند که: «ایران در حال جنگ با آمریکا است!» آری، این دشمن اصلی ما امپریالیسم آمریکاست که علیه انقلاب و به قیام برانداختن جمهوری اسلامی ایران به جنگ تجاوزی کارانه علیه ما برخاسته است. و همه رویدادهای بعدی صحت و دقت این گفته رهبر انقلاب را ثابت کرد. دست نشاندهگان و همپیمانان امپریالیسم آمریکا در منطقه (و خارج از منطقه) از انورسادات

خیانت پستیته گرفته تا شاه حسین، شاه خاله شاه قابوس و غیره، به اشاره ارباب، پشتیبانی خود را از صدام تکریتی اعلام کردند و عملاً به کمک تجاوزکار شتافتند. آنها راه را برای دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا، در جنگی که در واقع خون آمریکا خفته آنرا طرح کرده بوده، گشودند. هواپیماها و کشتی های رژیم صدام از فرودگاه و بنادر این کشورها استفاده کرده و میکنند. وسائل نظامی و تجهیزات جنگی که آمریکا به این دولت داده و می دهد، در اختیار رژیم تجاوزکار صدام تکریتی گذاشته میشود. بطوریکه رسانه های گروهمی خبر دادند، دولت همپیمان و دست نشانده آمریکا، از لحاظ وسائل حمل و نقل، سوخت، بیمارستانهای نظامی و حتی واحدهای منظم نظامی نیز به رژیم جنایتکار صدام حسین کمک میکنند. خبر میرسد که حتی دولت برزیل به رژیم صدام حسین اسلحه و مهمات می فروشد..... البته، همه این تدارکات جنگی با چنان مقاربت فرماناناه هم مردم، پاسداران انقلاب، ارتشیان، زاندارماری، همه نیروهای مسلح و غیر مسلح جمهوری اسلامی ایران در برابر صدامت که بی بیچوجه برای سردمداران امپریالیسم آمریکا قابل پیش بینی نبود، اینست که دولت آمریکا به حالت مستقیم خود در جنگ تجاوزی - کارانه ای که خود بدست رژیم صدام حسین علیه انقلاب بوجه پوری اسلامی ایران تدارک دیده، افزوده است.

دولت آمریکا «نیروهای واگشت سریع» خود را با اعزام چندین هزار نفر سرباز تازه نفس تقویت کرده، تجدید آرایش داده و مانورهای جنگی آنها را در اراضی مصر ترتیب داده است. دولت آمریکا ناگروه بزرگ خود را (مرکب از ۳۲ فرزند کشتی بقیه در صفحه ۲

تجاوز کارانه، بدرستی دریافته و مردم رزمنده ایران و همه جهانیان اعلام کردند که: «ایران در حال جنگ با آمریکا است!» آری، این دشمن اصلی ما امپریالیسم آمریکاست که علیه انقلاب و به قیام برانداختن جمهوری اسلامی ایران به جنگ تجاوزی کارانه علیه ما برخاسته است. و همه رویدادهای بعدی صحت و دقت این گفته رهبر انقلاب را ثابت کرد. دست نشاندهگان و همپیمانان امپریالیسم آمریکا در منطقه (و خارج از منطقه) از انورسادات

دولت آمریکا «نیروهای واگشت سریع» خود را با اعزام چندین هزار نفر سرباز تازه نفس تقویت کرده، تجدید آرایش داده و مانورهای جنگی آنها را در اراضی مصر ترتیب داده است. دولت آمریکا ناگروه بزرگ خود را (مرکب از ۳۲ فرزند کشتی بقیه در صفحه ۲

دولت آمریکا «نیروهای واگشت سریع» خود را با اعزام چندین هزار نفر سرباز تازه نفس تقویت کرده، تجدید آرایش داده و مانورهای جنگی آنها را در اراضی مصر ترتیب داده است. دولت آمریکا ناگروه بزرگ خود را (مرکب از ۳۲ فرزند کشتی بقیه در صفحه ۲

خونین شهر

(به یاد روز ۲۴ مهرماه ۱۳۵۹ در خرمشهر)

اینک بر کرانه اروندرود
رویاوروشی است
و تاریخ در گزیتش خود قاطع است:
آنجا که گرمی است و باید کشود
آنجا که کانونی است و باید سوخت
آنجا که سنگری است در چکاپاک مرگ...

و جهان
نفس در سینه محبوس
نگران

در پس دیوارهای مشیک
بر خاک گرم و خموش
در کنار بوته وحشی
پرفراز تل ریگپوش:

این برکه خون!
اجاقی نیست جدا از کاروان
شعله ای است در متن

در متن بزرگراه زمان.
ا. ط. ۲۵ مهر ۱۳۵۹

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

جنگ عادیانه

پیه از صفحه ۱

وقت پریروز ادامه داشت. در این نبرد نیروهای مدافع انقلاب، تن از مزدوران صدامی را به هلاکت رساندند. همچنین در جبهه‌های قهرشرین و سرپل ذهاب، ۳ تن از متجاوزین به اسارت درآمدند. طبق همین گزارشها در منطقه کتجان هم نیز تعدادی از تانکها و سنگرهای متجاوزین به آتش کشیده شد و منهدم گردید.

خبرگزاری پارس به نقل از یکی از رزمندگان مستقر در جبهه شرقی خونین شهر، اعلام کرد که مدافسان فدائکار و دلور جمهوری اسلامی ایران، دیروز از بخش شرقی خونین شهر، مواضع دشمن را در غرب این شهر هدف آتش قرار داده و یک تانک دشمن را به همراه خدمتاش منهدم کرده‌اند.

بنا بر گزارش خبرگزاری پارس از شهر سلحشور آبادان، رزمندگان جمهوری اسلامی ایران پریشب در جبهه شمال شرقی رودخانه بهشتیر، در حملات گسترده خود، ۲ خودروی عراقی را منهدم و تعدادی از متجاوزین را به هلاکت رسانده‌اند. همچنین مبارزان ایرانی، طی یک شبیخون به قلب مواضع دشمن در جبهه آبادان، ۲ تانک مزدوران عراقی را منهدم ساختند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز طی دو اطلاعیه شماره ۲۷۴ و ۲۷۵، عملیات رزمندگان دلیر نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را در روزهای ۱۷ و ۱۸ آبان ماه، اعلام کرد. طبق این اطلاعیه‌ها، خلبانان دلور نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی یک سلسله عملیات در منطقه غرب بزرگ، ۸ ساختمان محل استقرار پرسنل دشمن، ۳ تانک، ۱۰ خودرو، یک دستگاه تانکر، ۲ هلیکوپتر و ۴۵ نفر از نفرات دشمن را نابود و یک سرگرد عراقی را دستگیر کرده‌اند.

طبق اطلاعیه شماره ۲۷۵ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، خلبانان دلور ارتش جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۷ و ۱۸ آبان ماه، عملیات نفتی و گازی کرکوک را در داخل خاک عراق مورد حمله قرار داده‌اند. آنها همچنین در ۲ مرحله حمله هوایی، ۴۰ تانک و خودروی ارتش صدام حسین و ۷۰ درصد یک ستون نیروهای متجاوز را منهدم کردند. در این عملیات یک فروند از هواپیماهای ایرانی مورد اصابت آتشبار دشمن واقع شد و یک خلبان آن شهید گردید و خلبان دیگر سالم بزمین فرود آمد.

بدینسان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، دشمن تجاوز-کار را زیر ضربات شکننده خود قرار داده‌اند و در کار آند که درسهای جدیدی به تجاوزگران آمریکائی صدام بدهند.

با انهدام دوسکری نفتی عراق توسط رزمندگان جمهوری اسلامی ایران عراق امکان صدور نفت را از خلیج فارس از دست داد

طبق اخبار منتشره رزمندگان دلیر نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۷ آبانماه، سکوی نفتی عراقی را منهدم ساختند و بدین طریق امکان صدور نفت عراق از طریق خلیج فارس را ازین بردند.

ادعای بیطرفی...

پیه از صفحه ۱

جنگی در آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند تقویت کرده‌است. دولت آمریکا ناوهای جنگی دیگر همپیمانان خود در بلوک تجاوز-کار ناتو را (انگلستان، فرانسه، آلمان غربی و استرالیا) و بیطرفه نزدیک به ۳۰ فروند) برای تشکیل یک باصلاح ناوگان ضربتی بین‌المللی به این منطقه جلب کرده است. ناوتسکن انگلیسی «کووتس» و ناو هواپیماپس استرالیائی «میلورن» به همراه ۳ ناوتسکن به ناوهای آمریکائی در این منطقه پیوسته‌اند. در عین حال آمریکا شبکه گسترده پایگاههای دریائی خود در اقیانوس هند را بحالت آماده‌باش و بسیج درآورده و رادارهای پرنده و آواکس خود را در اراضی عربستان سعودی مستقر کرده است، که اطلاعات نظامی را از منطقه جنگ بدست می‌آورند و در اختیار رژیم صدام حسین میگذارند. هر آنگون سومین ناو هواپیماپس آمریکا راهی این منطقه شده است. علاوه بر این، اعلام شده است که دولت آمریکا

تصمیم به فرستادن هواپیماهای اف-۱۴ و اف-۱۵ خود به عربستان سعودی دارد.

دیگر دولتهای امریالیستی و همپیمانان آمریکا نیز در این گونه عملیات از نزدیک شرکت میکنند. امریالیسم فرانسه ۱۴ میلیارد فرانک اسلحه و تجهیزات نظامی به عربستان سعودی میدهد. اخیرا خبرگزاریها اطلاع دادند که دولت فرانسه تصمیم گرفته‌است هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی به رژیم صدام حسین تحویل دهد. بنوشته مجله «تایم» استراتژی‌های واشنگتن برای «نیروهای واکنش سریع» خود در کشورهای خلیج فارس ناموریت فوق‌العاده محرمانه‌ای در نظر گرفته‌اند. منظور از این «ناموریت فوق‌العاده محرمانه»، بطوریکه رسانه‌های گروهی خبر داده، جز شریه زدن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و همچنین تصرف معادن نفت این منطقه توسط آمریکا (نقشه قدیمی امریالیسم آمریکا) چیز دیگری نیست...

در این زمینه و دیگر وقایع نظیر است که معنای رجزخوانی هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا



همکاریهای سری نظامی استرالیا با امریالیسم آمریکا

دولت استرالیا، که از فاش شدن همکاریهای سری نظامی با آمریکا بیستاک است، از دادگاه خواسته است که از انتشار يك شماره از دو روزنامه چاپ این کشور، که در آن جزئیات همکاری نظامی استرالیا و آمریکا تشریح شده است، به خاطر «آسیب رساندن به امنیت ملی» جلوگیری کند. همچنین انتشار يك کتاب سفید نیز در این مورد تا «اطلاع ثانویه» ممنوع شده است. با این حال هزاران نسخه از این دو روزنامه به بیرون «درز» پیدا کرده است.

این دو روزنامه در شمارهای بعدی خود اعلام کردند که از دادگاه عالی فرجام خواهند خواست و تقاضا خواهند کرد که این شماره توقیف شده منتشر شود.

اقدام دولت استرالیا که در تاریخ این کشور بر سابقه است، جنجال بزرگی در کشور بوجود آورده و مردم استرالیا به همین جهت از خود می‌پرسند: آیا در کشور سلاجهای هسته‌ای آمریکا مستتر شده است یا نه؟

گشایش کنفرانس بین‌المللی همبستگی با مردم قبرس

کنفرانس بین‌المللی همبستگی با مردم قبرس در پاریس گشایش یافت. در این کنفرانس نمایندگان ۳۰ کشور، شورای جهانی صلح، اتحادیه بین‌المللی حقوقدانان دموکرات، فدراسیون سندیکایی جهانی و نمایندگان تعداد دیگری از سازمانهای بین‌المللی شرکت دارند. در این کنفرانس، درباره اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد درباره قبرس و غیرنظامی کردن دریای مدیترانه و غیره بحث خواهد شد.

رئیس چاندرا رئیس شورای جهانی صلح، در نطق گشایشی خود گفت که حل و فصل مسئله قبرس گامی مهم در تحکیم امنیت در منطقه مدیترانه و در سراسر اروپا خواهد بود.

چاندرا به مسئولیت امریالیسم آمریکا و امریالیسم انگلستان در حفظ تسخیر در قبرس اشاره کرد و اهمیت جنبش بین‌المللی همبستگی با مردم قبرس را مورد تأکید قرار داد.

نماینده اتحادیه حقوقدانان اتحاد شوروی نیز در سخنان خود خاطرنشان ساخت که مسئله روابط میان جوامع یونانی و ترک قبرس مصنوعا بوسیله امریالیستها ایجاد شده است.

صهیونیستها در قتل‌عام مردم جنوب لبنان از بمبهای ناپالم استفاده می‌کنند

نیروهای صهیونیستی در جنوب لبنان جنایات تازه‌ای مرتکب شده‌اند. سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت لبنان اعلام کرده‌اند که در حمله هوایی اخیر صهیونیستها به شهرهای صور و صیدا در جنوب لبنان، از بمبهای فسفری و بمبهای ناپالم استفاده شده است. در این حمله نیروی هوایی اسرائیل بر سر ساکنان بیگناه شهرها و اردوگاه‌های فلسطینی، بمبهای ناپالم و فسفری ریختند و باعث کشته و مجروح شدن عده زیادی از مردم لبنان شدند.

بخوبی آشکار میشود که گفت: «ناوگروه بزرگ آمریکا، که اکنون در نزدیکی مدخل خلیج فارس لشکر انداخته، نیرومندتر از تمام نیروهای همه کشورهای این منطقه است.»

در این زمینه و دیگر وقایع و اظهارات نظیر است که معنای واقعی «صدم دخالت» آمریکا در جنگ تجاوزگرایانه‌ای که خود بدست رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده، آشکار میشود.

امرالیسم آمریکا، گرچه وزیر خارجه خود ولس را با آدمونده‌ماسکی، عوض کرده‌است، لیکن ماسک سیاست استعماری امرالیسم جهانخوار بقدری کهنه شده و زیر ضربات هم‌دلیسی جنبش‌های آزادیبخش ضد - امریالیستی خلقها، از جمله زیر ضربت شکننده انقلابشکوهند ایران برهبری امام خمینی، چنان دریده شده است، که دیگر قادر به استاز چهره گریه‌امریالیسم جهانخوار امریکادار نظر جبهانیان نیست. این ناتوانی در استاز اعمال تجاوزکارانه و مقاصدبیلید

آقای آدمونده ماسکی، با این اظهاراتش نه فقط ماسک خود، بلکه ماسک عمل امرالیسم امریکادارمدریده‌است. امرالیسم آمریکا خود طراح اصلی نقشه جنگ تجاوزکارانه‌ایست که رژیم صدام حسین علیه انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی و بقصد برانداختن نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. امرالیسم بر سرکردگی امرالیسم آمریکا، مشول همه هواب رخیم این جنگ تجاوز-کارانه نیز خواهد بود.

استانیسلاو گانیا، رهبر لهستان:

ما نظام سوسیالیستی خود را همانند استقلال کشورمان حفظ خواهیم کرد

استانیسلاو گانیا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کدگر متحده لهستان، در مجمع فلزگدازی لندن در شهر «نو واهوت» با اعضای فعال حزب در چند شهر ملاقات داشت.

گانیا در این اجتماع تظنی ایراد کرد و از جمله خاطرنشان ساخت که جریان عادی شدن اوضاع با دشواری ادامه دارد. وی گفت: «حزب قصد دارد عوامل بعوان کنونی را دقیقاً مورد بررسی قرار دهد و بر قلله‌های برای غلبه بر پیچیدگرهای موجود طرح کرده است. آنچه که ما در ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کدگر متحده لهستان تصویب کردیم، اساسی فایده‌های آینده حزب را تشکیل میدهد»

استانیسلاو گانیا، ضمن اشاره به اوضاع اقتصادی کشور، گفت: «در سال ۱۹۸۰ درآمد ملی کاهش می‌یابد. عدم تعادل در بزرگ احسان می‌شود و کمبود پاره‌ای از کالاها در بازار وجود دارد. اوضاع کشاورزی نیز یک عامل پیچیده دیگر است. امسال پنی اوضاع چوری نسبت به سالهای اخیر بسیار بدتر بوده است. ما اکنون به یک برنامه عمل درازمدت نیاز داریم که در درجه اول شرایط را برای استفاده از امکانات عظیمی که در طول ۲۵ سال موجودیت حکومت مردمی لهستان ایجاد شده، فراهم آورد. همچنین باید در ساختار تولیدی تغییراتی صورت گیرد و باید از هیچ تلاشی فروگذار نکرد تا مردم به این واقفیت آشنا شوند، که بدون کار بهتر، بدون مسدودیت اقتصادی بهتر و بدون سازماندهی بهتر فایده‌های روزانه، اوضاع بهبود نخواهد یافت»

استانیسلاو گانیا گفت:

«برای توسلزی زندگی در حزب و در میان تمام مردم اطفالند پذیری وجود دارد و اساس و جوهر آن توسعه دموکراسی سوسیالیستی است»

گانیا در مورد روابط حزب با اتحادیه‌های کدگری گفت: «ما از روند توسلزی اتحادیه‌ها و تسلیل شرایط برای تامین این هدف، که جنبش اتحادیه‌ای بعنوان حلقه مهم دموکراسی سوسیالیستی و یک شریک در همه مباحثات مربوط به واحدهای صنعتی جداگانه تمام کشور تلقی شوند، حمایت میکنیم. تاریخ ما و تجربه ما تأیید می‌کنند که آرمان سوسیالیسم و امنیت در کشور از یکدیگر جدا نیستند و بنابراین هر کسی که سوسیالیسم را تلقی کند، موجودیت مستقل ملت را مورد سوء قصد قرار داده است. ما نظام سوسیالیستی خود را همانند استقلال کشورمان حفظ خواهیم کرد»

سخنرانی رادیو تلویزیونی...

پیه از صفحه ۸

عده‌ترین هدف سیاست خارجی اتحاد شوروی تامین صلح و مهار کردن امریالیسم جهانی است، که در صدد ابدی کردن فراموشی خود و در تلاش بر گرداندن جریخ و شرفقت تاریخی ملتها و کشورها عقب است. ما در مناسبات خودمان با کشور همسایه جنوبی‌مان ایران، همچون روابط خودمان با سایر کشورها، از اصول رعایت آکید حق حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال و برابری و انتفاع متقابل پیروی میکنیم. ما باین امر اعتقاد داریم که ملت ایران با غرور و افتخار از همه آزمایشهای سخت برخوردار آمد و در راه درخشان و روشنی سوسیالیسم آینده بهتر قرار خواهد گرفت.

توانید ایلچ بزؤقه صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در پیامهای خود برای حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، بارها تأکید کرده است که اتحاد شوروی برای بسط و توسعه مناسبات میان دو کشور ما، بر اساس اصولی که در بالا ذکر شد، آمادگی کامل دارد. بسط و توسعه این مناسبات، به عقیده ما، با منافع ملل کشور ما، که از لحاظ تاریخی و جغرافیائی در جوار هم قرار گرفته و همسایه همدیگرند، مطابقت دارد.

مایلم در روز جشن خلقی اتحاد شوروی، از دوستان ایرانی به خاطر احساسات گرمشان نسبت به کشور ما سپاسگزاری نمایم و موفقیت تمام خلق ایران را در مبارزه‌اش به خاطر آیندنیتر آرزو کنم.

پیمان با خون...

پیه از صفحه ۱

محررم دمید، زاله و ری قتلگاه بزرگی بود که دژخیمان شاه با محله بیکرهای خونین را دسته دسته از کوچها و خیابانهایش جمع می‌کردند و باشتاب خونهای گرمی مردم را با اتومبیل‌های آتش‌نشانی می‌شستند.

ولی دیری نیفتید که این خونها، در توفان خویش، بساط سنگین سلطنت را سرنگون کرد و شاه ختن‌راه زبانه‌دان تاریخ افکند. امسال، در دومین سالگشت آن شب خونین، باز هم شبها تاریک است. این بار هم توده‌ها بدست خویش شمله‌های چراغ‌رامی‌گشند،

تا راه حمله را به دژخیمان صدامی این ادامه دهندگان راه جلاخان ازهار می‌بینند.

و چنین است که تهاجم دشمن اصلی توده‌های خلق به همین ما در، خونین توده‌ها ادامه دارد. دوسال پیش جلاخان آمریکایی در زاله و ری توده‌ها راه قتلگاه می‌بردند و امسال در سراسر جنوب و غرب کشور زحمتکشان ایران را سلاخی می‌کنند.

حزب توده ایران خاطر تابناک شهدای شب اول محرم را گرمی میدارد و با خون آن شهدا پیمان می‌بندد که در کنار توده‌ها، به رزم تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان، امریالیسم خسروخواز آمریکا، ادامه خواهد داد.

با احتکار، گرانفروشی و ایجاد کمبود مصنوعی چگونه باید مبارزه کرد؟

آقای محمدعلی رجایی، نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، در سخنان خود در نماز جمعه (۹ آبان ۵۹) ضمن اشاره به محتکران، گرانفروشان و کسانی که از موقعیت کمونیستی استفاده کرده و به غارت مصرف کنندگان پرداخته‌اند، آنان را "ضدانقلاب و ستون پنجم" معرفی کرد. نخست وزیر گفت: "گرانفروشی باعث شکست ما خواهد شد. باید با او مبارزه کرد. محتکر ضدانقلاب است، هرکس و در هر مقامی باشد".

در پی سخنان نخست وزیر، نماینده تام‌الاختیار و سرپرست کمیته امور صنفی اطلاعاتی انتشار داده، که متن آن چنین است:

"حال که نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در مقابل انبوه نمازگزاران جمعه، با قاطعیت کامل گرانفروشی را ضدانقلاب و ستون پنجم دشمن معرفی کرده، کمیته امور صنفی که با سازمان جدید آغاز به کار نموده، بعنوان اولین گام در مبارزه با گرانفروشی و احتکار، به کلیه واحدهای صنفی ابلاغ می‌نماید، بر حسب قیمت عادلانه باید روی کلیه اجناس الماق گردد. بدیهی است تخلف از این ابلاغیه جرم شناخته شده و متخلفین به دادسرای انقلاب اسلامی ویژه صنفی معرفی و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت".

اطلاعه کمیته امور صنفی اولین و تاکنون که این طور نوشته می‌شود تنها واکنش مقامات دولتی در برابر هشدارهای نخست وزیر است. این واکنش و تصمیم دایره الماق بر حسب قیمت عادلانه روی کلیه اجناس، که باید با پیگیری به اجرا درآید، ضمن اینکه اقدام لازمی است، ولی به هیچ وجه کافی نیست. حتی می‌توان گفت که در مبارزه علیه احتکار، گرانفروشی و جلوگیری از ایجاد کمبودهای صنفی، اثر آن بسیار محدود و حتی ناچیز خواهد بود.

واقع اینست که برای مبارزه واقعی با احتکار، گرانفروشی و سودجویی‌ها استفاده از شرایط خاص کمیته که به گفته نخست وزیر می‌تواند باعث شکست ما شود، باید اقدامات بسیار اساسی و اصولی صورت گیرد. الماق بر حسب قیمت روی کالاها تنها یکی از موارد جزئی در این مبارزه به هنی واقعی کلمه حیاتی است، که باید صورت گیرد.

یادآور می‌شویم که از همان روز پس از پیروزی انقلاب، ما ضرورت حیاتی مبارزه علیه احتکار، گرانفروشی و سودجویی‌های سرمایه‌داری و استه و عوامل آن را به مقامات دولت انقلاب گوشزد کرده‌ایم. ما به تکرار و تکرار خاطر نشان ساخته‌ایم که، محتکران، گرانفروشان و سودجویان، درجهبه داخلی به انقلاب ضربه می‌زنند، و اثرات مخرب این ضربات به هیچوجه کمتر از ضرباتی نیست که امپریالیسم و ضدانقلاب درجهبه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی و غیره به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما وارد می‌آورند.

محتکر، گرانفروش و کسی که به قصد سودجویی به ایجاد کمبود کالا و اختلال در محیط عمومی می‌پردازد، دشمن است که در داخل جبهه انقلاب ضربه می‌زند. او با این ضربه، نیروی مقاومت مردم را در برابر امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پروردگار متزلزل می‌سازد. با چنین دشمنی باید شدیداً و قاطعانه مبارزه کرد و دست آن را از ایجاد اختلال در امور اقتصادی، بازرگانی و محیط عمومی بازداشت. اما باید این دشمن را قبلاً بخوبی شناخت و درست حمله را متوجه آن مواضع اساسی کرد، که در اختیار چنین دشمنان است.

واقع اینست که مبارزه با گرانفروشی و بر حسب زدن قیمت روی کالاها، ضروری است. اما اشتباه است اگر فکر کنیم که طایفه‌های خرده فروشان و عرضه‌کنندگان کالا، مواضع اصلی و اساسی محتکران و گرانفروشان است. مواضع اصلی و اساسی احتکار، گرانفروشی و اختلال در امپریالیستی در اختیار عمده فروشان و بازرگانان وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی است. اینان هستند که از خرید کالا از خارج گرفته، تا توزیع عمده آن را در سطح کشور، در اختیار دارند. شبکه وسیع احتکار کالا، ایجاد کمبودهای مصنوعی در توزیع و گرانفروشی

در اختیار این قشر طفیلی است، که با تکیه به سرمایه‌های عظیم خود، توزیع کالاها تولید شده در داخل را نیز در تصرف خود دارد. برای مبارزه با احتکار، گرانفروشی و جلوگیری از اختلال در امر توزیع کالا در کشور، آسبم در شرایط جنگ، باید به سلطه سرمایه‌های وابسته در بازرگانی و عمده‌فروشی پایان داد و از بازرگانان وابسته، دلالان و محتکران عمده خلع بد کرد.

انجام چنین اقدامی، که از نظر حفظ انقلاب ضرورت حیاتی دارد، قبل از جنگ راهزنانه دار و دسته صدام حسین به کشور ما، به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران توصیه شده است. ملی‌کردن بازرگانی خارجی و تمرکز توزیع عمده کالا در دست دولت، بعنوان اصولی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن صحه گذاشته، دولت را از یکسال قتل به این طرف مکلف به پایان دادن به ناپسانمانی‌ها در عرصه بازرگانی و توزیع کالا کرده است. متأسفانه باید گفت که تا همین امروز اجرای اصل مهم ملی کردن بازرگانی خارجی همچنان در بوته اجمال و تاخیر باقی مانده، گرچه عواقب ناشی از احتکار، گرانفروشی و مصاد آن، به هنی واقعی کلمه، برای میلیون‌ها زحمتکش طاقت فرسا گردیده است.

اکنون که نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران یاردیگر مراحتاً ضرورت مبارزه قاطع با گرانفروشی، گرانفروشی و نظائر این اقدامات ضد انقلابی را خاطر نشان ساخته است، بجاست که مسئله اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و توزیع دولتی کالاها اساسی، از راه ایجاد فروشگاه‌های دولتی و تعاونی و نظارت دقیق بر قیمتها، که از ضروریات مرم زمان جنگ است، سرچا به اجرا گذاشته شود. تنها بدینوسیله است که می‌توان با گرانفروشی، احتکار و نظائر این سودجویی‌های ضدانقلابی نظیر موثر مبارزه کرد و یکی از شرایط اساسی را برای پیروزی در جنگ و تثبیت قطعی موفقیت‌های انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی فراهم نمود.

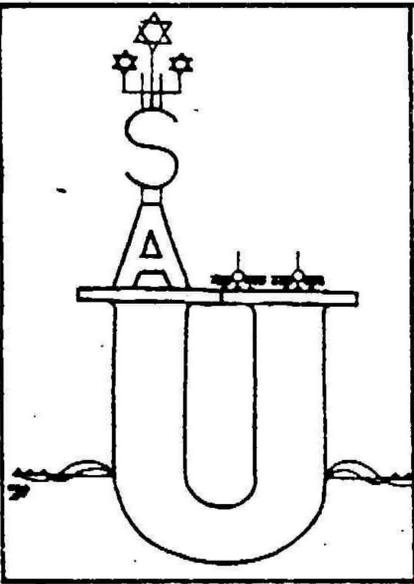
سوگندی که تاپای جان حفظ شد

رفیق فریدون قدکماز، نامزد حزب توده‌ایران در انتخابات مجلس شورای اسلامی از خونین شهر، دو نخستین روزهای جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام حسین علیه‌ایران، هنگامی که همراه سایر رفقا و برادران و خواهران رزمنده خود از خونین شهردفاع می‌کرد، مجروح شد. رفیقی که چندی پیش از وی در بیمارستان آبادان دیدن کرده، چنین می‌نویسد: "رفیق قدکماز، این جوان کارگر زحمتکش، در سخت‌ترین شرایط جنگ، مورد اعتماد کامل مردم و مبارزان و از جمله سپاه پاسداران و مسجد جامع قرار گرفت. وظیفه مهمی در دفاع از شهر به عهده او گذاشته شده بود، که او جانپنازانه به انجام آن پرداخت، فقط زمانی از ادامه کار خود عاجز ماند، که ترکش خمپاره فک او را خورد کرد و از هوش برد. در بیمارستان آبادان، به عبادت فریدون رفیق، فک خرد شده، دهان و سر بسته، از راه گلو سوراخی تعبیه کرده‌اند، که از آنجا نفس می‌کشد. کبسه خون از موله‌های در کنار تخت او بران است و خون سرخ قطره‌قطره در لوله‌های می‌چکد و از راه بازوی تن خسته و ناتوان فریدون می‌ریزد. خون گوی کسی چه میداند، شاید خون یک برادر یا خواهر مسلمان پیروخست امام، شاید خون یک تودهای، کبسه خون برادری ضد انقلاب یا صفحه فلان روزنامه نیست که بتوان در آن زهر کیمینو فرستاد. کبسه خون در این بیمارستان، تجسم واقعی جبهه متحد خلق ما است. دکتر، که همراه ما است، نفی فریدون را می‌گوید، با این حرکت فریدون چشمش را باز می‌کند و به ما می‌نگرد. برقی از ثادی از دیدگان خسته‌اش می‌چسبید، دست راست بی‌وقفی را، که هنوز آزاد است، بالا می‌آورد، منت می‌کند و سلام می‌دهد. از طرف همه، مهرگان را تبریک می‌گویم. زادروز حزبمان را، حزبی که هر روزش زائیدم قهرمانی و هر گامی فزاینده آگاهی است. فریدون با چشم و دست تشکر می‌کند. مداد کاغذ می‌خواهد و با دست لرزان چند کلمه می‌نویسد: "ما خرمشهری‌ها، با دیگر برادران قسم خورده بودیم، تا آخر از خرمشهر دفاع کنیم."

پیوستن مجدد یونان به سازمان نظامی پیمان تجاوز کارانه ناتو اقدامیست در سمت تشدید تدارکات نظامی و تسلیحاتی

برای نقشه‌های نظامی تجاوزگرانه خود، بویژه با توجه به تحولات انقلابی در منطقه خاور نزدیک و میانه و در درجه اول پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و سرنگونی رژیم دست‌نشانده آمریکا در ایران احساس می‌کردند، منظور حفظ و استحکام مواضع نظامی و سیاسی خود در ترکیه و محکم‌تر کردن پیوندهای وابستگی سیاسی و نظامی ترکیه به امپریالیسم آمریکا و پیمان نظامی ناتو در این کشور، اقدام به کودتای نظامی کردند.

تصمیم دولت یونان در مورد شرکت دوباره این کشور در سازمان نظامی ناتو نیز بر همین زمینه و زیر فشار محافل نظامی و فشارهای مستقیم امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد. وادار کردن دولت یونان به اتخاذ چنین تصمیمی در عین حال طبق برنامه کلی نظامی-امنیت‌طلبی امپریالیسم آمریکا در جهت تشدید سابقه تسلیحاتی و گسترش تدارکات نظامی در اروپای غربی، استقرار موشک‌های اتمی و سلاحهای جدید دیگر آمریکایی در خاک کشورهای اروپایی عضو پیمان ناتو و نیز تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی و پایگاه‌های تجاوزی در ناهای و هوای امپریالیسم آمریکا در مناطقی جهان بویژه در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند انجام می‌گیرد.



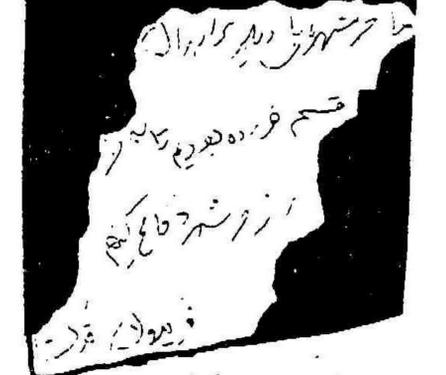
تصمیم دولت یونان در مورد بازگشت به سازمان نظامی ناتو با اعتراضات گسترده اقشار و طبقات مختلف اهالی کشور و همه سازمانهای سیاسی ترقیخواه روبرو گردیده است. سازمانهای دانشجویی یونان به عنوان اعتراض به این اقدام دولت دست به تظاهرات و راهپیمایی‌ها زدند. حزب کمونیست یونان در مورد بازگشت یونان به سازمان نظامی ناتو بیانه‌های منتقد ساخت که در آن تصمیم دولت یونان به متابه اقدامی ضایع با منافع ملی خلق یونان ارزیابی شده است. در این بیانه آمده است:

"دولت یونان با اتخاذ چنین تصمیمی پای کشور را به نقشه‌های ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در این اوضاع بحرانی در جهان می‌کشد" حزب کمونیست یونان در بیانه خود تأکید می‌کند که: "خلق یونان به مبارزه خود در راه استقلال و حق حاکمیت ملی و در راه ایجاد یونانی که بدون از پیمان ناتو و پایگاه‌های نظامی خارجی باشد، ادامه خواهد داد." آندره اوس پاپاندره او، رهبر حزب سوسیالیست یونان تصمیم دولت یونان درباره بازگشت به سازمان نظامی پیمان ناتو را تصمیمی خطرناک نامید. وی طی سخنان خود در پارلمان کشور اظهار داشت که دولت با این اقدام، امنیت، استقلال و حق حاکمیت یونان را قربانی فشارهای ایالات متحده آمریکا می‌کند. بدین‌سان در همان حال که امپریالیسم آمریکا و محافل حاکمه یونان گام خطرناکی بر ضد صلح و علیه استقلال یونان برداشته‌اند، مردم یونان مبارزه خود را برای صلح و استقلال ملی گسترش می‌دهند.

پس از کوششهای فراوان فرماندهان نظامی پیمان تجاوز کارانه ناتو و فشارهای دولت آمریکا سرانجام دولت یونان موافقت خود را در مورد پیوستن مجدد به سازمان نظامی پیمان ناتو اعلام کرد.

روز یکشنبه ۲۷ مه‌ماه ۵۹، جورج والیس، نخست‌وزیر یونان، اظهار داشت که دولت وی پیشنهاد ژنرال یوناندر راجرز، فرماندهی عالی نیروهای مسلح پیمان تجاوز کار نظامی ناتو در اروپای غربی را برای شرکت دوباره بران در سازمان نظامی ناتو، پذیرفته است. یونان، که از اعضای پیمان تجاوز کارانه ناتو است، از سال ۱۹۷۴، ظاهراً به علت اختلافات و مناقشاتی که با ترکیه، عضو دیگر این پیمان، بر سر مسئله قبرس پیدا کرد، به عنوان اعتراض به گرداندگان این پیمان، که نتوانسته بود از تجاوز نظامی ترکیه به قبرس جلوگیری کند، از شرکت در سازمان نظامی این پیمان امتناع نمود و در ماه اوت سال ۱۹۷۴ رسماً اعلام کرد که خود را موظف به شرکت در فعالیت‌های نظامی این پیمان نمی‌داند. اما علت و انگیزه واقعی این اقدام دولت یونان، ناشی از جو سیاسی و خواستهای توده مردم بی‌باخته یونان در آن سالها بود. خیزش و مبارزات برداشته مردم و سازمان‌ها و نیروهای ترقیخواه یونان در آغاز سالهای هفتاد موجب برکناری حکومت "سرهنگان سیاه" گردید و با روی کار آمدن دولت غیر نظامیان، در سیاست‌های گذشته آن کشور دوزمینهای داخلی و خارجی تجدیدنظر بعمل آمد. حکومت جدید یونان، تحت فشار توده‌های مردم و بر اثر جو و روحیات استقلال طلبانه و ضد آمریکایی در کشور و از جمله خواست مصرانه مردم برای پایان دادن به سیاست نظامی‌گری و وابستگی به دول امپریالیستی، ناگزیر گردید که از عضویت خود در سازمان نظامی ناتو امتناع ورزد.

از سوی دیگر، در آن زمان مناقشات میان ترکیه و یونان، دومعضو پیمان نظامی ناتو، بر سر مسئله قبرس، روابط این دو کشور را به بحرانی عمیق کشاند و با توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی هر دو کشور، موجب تضعیف و تزلزل پیمان نظامی ناتو گردید. این امر نگرانی محافل نظامی ناتو و سردمداران پیمان نظامی تجاوز کار، یعنی امپریالیسم آمریکا را برانگیخت. روند حوادث بعدی در یونان و نیز در ترکیه در سمتی جریان یافت، که بر غم تلاشهای امپریالیسم آمریکا و فرماندهی نظامی عالی پیمان ناتو، مواضع این پیمان نظامی در این دو کشور، هر چه بیشتر رو به تزلزل و ضعف نهاد. ترکیه دچار بحرانهای سیاسی و اجتماعی گردید، که تمام نیروهای ترقیخواه کشور سبب اصلی آنرا در سیاست نظامی‌گری زمامداران کشور و تحصیل هزینه‌های سنگین نظامی، و عضویت در پیمان نظامی ناتو و وجود پایگاه‌های نظامی ناتو و آمریکا در این کشور، و راه خروج از این بحران را اتخاذ سیاست مستقل ملی، امتناع از سیاست نظامی‌گری و خروج از پیمان نظامی ناتو می‌دیدند. اما امپریالیسم آمریکا و سردمداران ناتو، که خطرناکی چنین وضعی را



مجدد برادر فریدون، که او هم در جنگ مجروح شده، با پای شکسته‌ای گرفته و لباسی پر از لکه‌های خون در کنار برادرش نشسته‌است و از او مراقبت می‌کند. خنده‌اش چنان شیرین و صمیمی است، که گویی به بزرگترین آرزوی جوانش رسیده‌است.

کتاب نهج البلاغه ("شوه" سخن آرای) مجموعه ۳۳۹ سخنرانی، ۷۹ نامه و ۴۸۱ "سخن کوتاه" از امام علی بن ابی طالب است (۱). بیشتر سخنرانی‌ها کوتاه (میان یک تا ده دقیقه) و برخی از آن بلند است (که از آن میان سخنرانی "کوبنده" نزدیک به ۹۰ دقیقه است) این گفتار را زیر چند عنوان مرعی دنبال می‌کنیم.

گردآورنده

نهج البلاغه را محمد بن ابی احمد حسین (۳۵۹-۲۰۶)، شناخته با نام سید رضی و شریف رضی، در سال ۴۰۰ هجری گردآورد. نژاد او با پنج پست به امام موسی کاظم، هفتمین پسر امام علی بن ابی طالب، می‌رسد. خاندان و نیگاری وی در دوران فرمانروایی عباسیان (۱۳۲ تا ۶۵۶) به ویژه روزگار بویه‌بان (۳۲۰ تا ۴۲۷ هجری) پایگاهی والا داشتند و از زندگی با رفاهی برخوردار بودند. پدرش ابوالاحمد حسین طاهری نوری امیر حاجیان، بزرگ سادات علوی و مرجع رسمی دادخواهی‌ها و دادرسی‌ها بود و سید از سال ۳۸۰ هجری که هنوز جوانی ۲۱ ساله بود، در زمان زندگی پدر، رسیدگی به این کارها را آغاز و تا پایان عمر دنبال کرد. شریف رضی بی‌اندازه پرهیزگار بود، زندگی را به ساده‌ترین گونه می‌گذراند، از پایگاه بلند خود برای به دست آوردن و اندوختن خواسته‌ها هیچ بهره نمی‌گرفت و هرگز از هیچ کس لطفی نمی‌پذیرفت. تنها یک بار، استادش ابو اسحاق ابراهیم بن احمد طبری به پاس آنکه وی قرآن را در زمانی بس کوتاه از بر کرده بود، حاضری برای شش ماه او بخشید و گفت: خانه پدری شایسته تو نیست. باید از خود خالص جداگانه داشته باشی. سید در روزگار زندگی کوتاه ۴۷ ساله خود آثار ارزشمندی (بیش از ۲۵ اثر) در شعر و ادب عربی، تفسیر، تاریخ و حدیث پدید آورده که برآزوبترین آن "نهج البلاغه" است. زمینه اصلی اندیشه او سخنرانی بود به گونه‌ای که او را "شاعرترین شاعران علوی" - چه از دیدگاه بسیاری و چه از دیدگاه زبانی - نام می‌خواندند. او از ۱۰ سالگی آغاز به سرودن اشعار کرد. از او یکجمله‌ای ناب در غزل، ستایش و سوگواری همروزگارانیش به جای مانده است. یک بار نیز به مناسبت کوشش برای واژگون کردن دولت عباسیان و در دست گرفتن قدرت، نامی از شریف رضی برده شده است. می‌توان چنین انگاشت که این کوشش با خوشبختی بویه‌بان انجام گرفته باشد، زیرا ایشان که گرایش‌هایی به شیعری داشتند، یکبار در اندیشه رفتند که عباسیان را از گاه برانگیزند و علویان را بر جای ایشان بنشانند یا برای فاطمیان مصر بیعت بنمایند لیکن بهر اوصاف اندر زجان دادند که علویان پشتوانه "شوه" گسترده‌ای دارند و با ایشان نمی‌توان مانند بنی عباس (بخشیدن عنوان اسمی و تشریفاتی سلامت و بازگرفتن همه کارهای اجرایی) رفتار کرد. بویه‌بان را این اندرز "نیکی خواهانه" بسی خوش آمد چنان که برای همیشه از آن اندیشه در گذشتند (۲). برادر او، سید مرتضی (شناخته با نام علم الهدی) که برخی از پژوهشگران گردآوری نهج البلاغه را به او نسبت داده‌اند، پیوندهایی استوار با کارگزاران دولت عباسی و بویه‌بان همراه زمین، آب و پول فراوان داشت و از زندگی باشکوهی برخوردار بود. شریف رضی مردی بود خوش سخن، شیرین زبان، خندان لب، شکمخ، بی‌اندازه خداترس، با مجلسی گرم و گیرا و زندگی هرچه فروتنانه‌تر و درویشانه‌تر (۳).

سندیت

چنین می‌نماید که ذوق شاعری سرشار و پارسی زرف سید رضی، او را واداشته که از این دو دیدگاه در سخن امام علی بنکورد و زیبایی کلام و دعوت به تقوا را پایه گردآوری گفتارهای او سازد. بی گمان بی آنکه مدعی سنده کند و در این محدوده گرفتار نباشد. باری، ابوالخلاف "شوه" محول در روزگارش - حتی درباره گردآوری آثار و متن‌های ادبی - نه "سند" روایت‌های خود را آورده و نه از مآخذهای خویش نامی برده است. از این رو، از دیدگاه علم حدیث، نهج البلاغه به صورت "حصر واحد مرسل" درآمده و مقیاس و متکلمان شیعیه برای اثبات حکمی از احکام شرع با اصلی از اصول دین و مذهب، بدان استناد نکرده‌اند. این توان بود که جمله‌هایی از نهج البلاغه برای مثال در "کتاب‌های چهارگانه" یا وسایل الشیعه یا مستدرک آن یا جای دیگر، به صورت "حدیث معتبر" آمده و مستند فقهی با کلام شده باشد لیکن سندیت چنین حدیثی به اعتبار همان کتاب (و خواننده شدت بر استاد و اجازه نقل روایت...) است نه با حدیثی در هیچ البلاغه.

از سوی دیگر، دانشمندان اهل تشن (رض) - رنجیده از "شوه" سخن گفتن امام در خطبه سوم بهرامون به "جانشین شایسته" پیش از خود - در سراسر تاریخ به گونه گونه دلیل آوری‌ها، کوشیده‌اند سبب نهج البلاغه را خدشدار سازند: از آن‌ها که در برخی از آن شک رواداشته‌اند تا آن‌ها که آن را یکباره بی پایه، ساختگی و دروغ بسته بر امام شمرده‌اند. از این خلکان، ابن اثیر جزیری، علامه ذهبی، صلاح الدین صفدی، علامه یاقینی، ابن حجر عسقلانی در گذشته‌های دور تا احمد امین، عباس محمود عقاد، خیرالدین زرکلی، دکتر شوخی صیف، به اضافه "برخی زیدان و کارل بروکلمان در روزگار کنونی (۴) - برخی نیز به شوه‌های بی‌ناشایه، پافشاری بسیار ورزیده‌اند که ثابت کنند گردآورنده نهج البلاغه سید رضی نبوده بلکه برادرش علم الهدی سید مرتضی - انسان نمی‌تواند در برابر که بر مرضی پذیرفتن این برادر به جای آن یکی، به چه بیامدی می‌شود رسد؟

برخی از دلیل‌ها که ایشان آورده‌اند، از این گونه است:

- ۱- چیرگی گویش فلسفی بر بسیاری از سخنرانی‌ها و آمیخته بودن آن با نکرش‌ها و اصطلاح‌هایی که سید مرتضی از روزگار علمی در پی ترجمه شدن منطق و فلسفه یونانی وارد زبان و فرهنگ عربی گشته به ویژه هنگام گفت و گوی او از طبیعت‌ها، هستی، نیستی، صفات و موصوف‌ها. در این زمینه، نگاهی به سخنرانی نخست نهج البلاغه می‌افکنیم:
- نخستین گام در راه دینداری شناخت خدا، برترین پایه شناخت او باور آوردن بدو، بالاترین گونه باور آوردن به او یگانه دانستن او، برترین گونه یگانه دانستن او پاک و ویژه گشتن برای او و بهترین شیوه پاک و ویژه گشتن برای او پاکیزه دانستن او از صفات (صفات افزون بر "ذات")، زیرا هر صفت به خودی خود گواه این است که چیزی به جز موصوف است و هر موصوف خود به خود گویای اینکه حقیقتی است جدا از صفت.
- این گونه بالا روی پدیده، به سوی بلندهای استدلال منطقی و فلسفی، دست کم پس از گذشت دوران‌های دراز بر تکامل کلام و فلسفه اسلامی و شرح و بسط‌ها و ریزه‌کاری‌های کسانی مانند شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸) می‌تواند امکان پذیر باشد و وارد گفتارهای همگانی مردمان گردد. افزون بر آن، گواهی دادن هر صفت و هر موصوف... یعنی جدا کردن "موضوع" از "محمول" و رسیدن به "عمل" صرف، از دوره‌های حتی پیشرفته‌تر از این در فرگشت آن دو رشته، دانشی گزارشی می‌دهد. درخور یادآوری است که در قرآن و گفتار پیامبر از این گونه تجزیه، تحلیل و استدلال استوار شده بر پایه آن، هیچ نشانی دیده نمی‌شود.
- ۲- موشکافی و تبارک بینی در موصوف چیزها، زرف کاری اندیشه، دور پروازی خیال، دراز بودن برخی از نامها و سخنرانی‌ها مانند سخنرانی "فاطمه" و پیمان نامه مالک اشتر نسبی، آرایشگری لفظی، گرایش به وزن و آهنگ، برشردن یکایک ویژگی‌های پارهای پدیده‌های طبیعی یا برخی جانداران مانند طبع، مورچه و شبیره یا ستودن شکوهندانه پرنده‌های مانند طلوس (در سخنرانی شماره ۱۶۴) که هیچ دانسته نیست آیا در آن روزگار در آنجاست گونه عربی پیدا می‌شده است یا نه.
- ۳- دسته بندی کردن دانشمندان "موضوع‌های سخن و رسیدگی به یکایک شاخه‌ها و جزئیات آن و پاسخ گفتن به پرسش‌هایی که می‌تواند بهرامون آن درخشان‌شونده بر جوشد و برایش اشکالی نتراند. در این زمینه باز همان سخنرانی نخست، بهترین نمونه است. این سخنرانی که درباره "ستایش خدا و آغاز آفرینش زمین و آسمان‌ها" است، چنان موشکافانه است که یاد مشکلی چیره دست، رباعی اندیش، گسترش جوی، بلند پرواز و اشکال تراش چندین سده سپس

مانند فخرالدین رازی (۵۲۴-۶۰۶) را - بی آنکه قصد مقایسه کردن امام علی با او در میان باشد - برای اسان زنده می‌کند.

۴- بدگویی از جانشینان شایسته پیامبر و باران نزدیک او، علامه شمس الدین محمد ذهبی (۶۷۳-۷۴۸) به اینجا که می‌رسد، آشکارا گره دل می‌کشد و با - به سخن دیگر - "دست خود را رو می‌کند": "هرکس نهج البلاغه را بخواند، بقین می‌کند که این سخنان به دروغ بر امیرالمؤمنین علی بسته شده است، زیرا در این کتاب دشنام آشکار و بدگویی بی‌پرده نسبت به دو سرور نخستین آمده و تناقض‌ها، سخنان زشت و گمراه‌های ناشایستی وارد شده که هرکس با آگاهی از حال قریش، باران پیامبر و دنباله روان ایشان، آنرا بررسی کند، به درستی درمی‌یابد که بیشترش نادرست است" (۵).

چنان که دیده می‌شود، گره کار در اینجا است. پژوهشگر بی طرف به آسانی می‌تواند دریابد که آن خرده‌گیری‌های دیگر نیز از اینجا سرچشمه می‌گیرند. با این حال، ما این را نادیده می‌گیریم و به آهاز سخن برمی‌گردیم:

همه آن - به ایراد نخستین درست، بهجا، وارد و حتی دندان شکن است اگر ما با فردی معمولی جز علی بن ابی طالب سروکار داشته باشیم. چیزی که در همه آن زمینه‌ها از پادرفته، شیخ انگار ناپذیر، هوش سرشار، نیروی آفرینش ذهنی، توان ابتکار و دانش فراوان علی بوده است. سخنان منطقی، کلامی فلسفی او بی‌پسینه است. آری، این راست است. ولی اشکال کار اینجا است که علی پایه هر آرزوگداهی نبوده، توفان ابتکار و آفرینش برانگیخته است: رزم آوری، جهاننداری، سخنوری، تاکتیک، استراتژی و... جز اینها. علی بخش بزرگی از زندگی خود را به گونه‌ای شانزوری با پیامبر گذرانده، نویسنده، ویژه، آویزده، در همه جنگ‌های پیامبر کنگ بنیادی به پیروزی او کرده و به گفته دانشمند بزرگوار شیخ جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱)، نیتترین مطالب را درباره تفسیر قرآن از پیامبر فراگرفته به آنگنان سپرده است (۶). بنابراین چه اشکالی دارد که علی در زمینه فرهنگ اسلامی پیشتگام و ابتکار کننده باشد؟ از دوحال بیرون نیست: یا باید بودن شخصی به نام علی بن ابی طالب را در تاریخ انکار کنیم یا بسیاری از گفتارهای کتابی مانند نهج البلاغه را از او بدانیم.

در دنباله این سخن چند نکته دیگر را می‌افزاییم:

الف - چنان که گفتیم، علی در دیگر زمینه‌ها نیز که کام نباده. همان ابتکار، دستمندی دانشمندان، استدلال منطقی و موشکافی پژوهشگرانه را نشان داده است. برای مثال، او پایه گزار بی چون و چرای دانش "سحر" (دستور زبان عربی) است. این چیزی است که همه نگارندگان تاریخ دانش‌ها و ادب‌های عربی - بی‌کم و کاست - آن را یاد آوری کرده‌اند. نخستین یادداشتی که او به ابوالاسود دؤبلی داشته که نامیده را بشناساند، فصل آن است که از حرکت او است با فعل یا حرف. اسود آن است که نامیده را بشناساند، فصل آن است که از حرکت او آگاهی دهد و حرف آنکه نه اسم باشد و نه فعل. وی از ابوالاسود خواست که این کار را دنبال کند و گردآورده‌های خود را از نگاه او بگذراند. این مطلب را، بدان سان که یاد آوری کردیم، همه مورخان از گذشته‌های دور تا هم‌اکنون آشکارا به نام او ثبت کرده‌اند. تنها یک تن، آن هم پس از گذشت نزدیک به ۱۴۰۰ سال، از راه فرار سیده و مبرتر دید بر روی همه این حقایق تاریخی زده است: او دکتر شوخی صیف پژوهشگر تاریخ ادبیات عربی و استاد همروزگار دانشگاه "الزهر" است. او می‌گوید که علی نمی‌توانست است بنیاد گزار "سحر" عربی باشد و برای اثبات نخواست. خود، آن یک خط مطلب را که علی به ابوالاسود دؤبلی داده، به جای دانشنامه ۳۰ هزار صفحه‌ای "بریتانیکا" گرفته با گویش سخنان اظهار می‌دارد که: علی با آن همه گرفتاری در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان وقت بسنده برای "تالیف این اثر چنانکه" را نداشته است (۷). همین جا تکلیف خود را با وی روشن می‌کنیم (یعنی او را در پایگاه طبقاتی اش نمی‌نگریم) تا این بحث سونه آخر خورار باشد.

دکتر شوخی صیف یکی از برجسته‌ترین استادان تاریخ دانش، فرهنگ و ادبیات عربی در روزگار کنونی است. از میان آثار فراوان و گرانمای وی، "تاریخ ادبیات عرب" از روزگار جاهلی تا عباسی، در میان همه نویسندگان این صحت از نالیو، تولدک، مارگلیوت و کارل بروکلمان گرفته تا طاهراحمین، مصطفی صادق راهبی و حرجی زیدان، بهترین است. ولی - در باب که دانشمندی با این اندوخته - پر آرج ذهنی، از عجلت انصاف و بی نظری، کم‌خستین شرط بایسته هر پژوهشگری است، به یکباره بی‌بهره است. نگارنده همه کارهای او را بارها با دقت خوانده است. او در سراسر آثار خود نمونه‌ای از یک فرد قیلمهرست متعصب با محصلت‌های نگوینده، نریبال را ارائه می‌دهد و برای مثال، همواره می‌گوید که خون‌آشامان و جهان‌خواران اموی و عباسی را از زیر تازیانه بی‌رحم تاریخ بیرون بکشاند و بر سرشان آب توبه بریزد. اگر شما باشید و چنین مردی و چو شخصیتی بهمان علی بن ابی طالب، چه گونه داوری خواهید کرد؟

سید می‌دانیم که علی بن ابی طالب، در روزگار خود، یکی از آگاهترین کسان از دانش‌های ادبی عرب (در مفهوم آن روزی آن) بوده است. نیز می‌دانیم که وصف، به ویژه وصف جانداران، یکی از ویژگی‌های بنیادی شعر جاهلی شمرده می‌شود. در این زمینه، امیر القیس - نامدارترین شاعر جاهلی - حتی به "زیادفردی" در وصف شتم است. بنابراین، وصف در ادب عربی روزگار علی چیز تازه‌ای نیست. چیزی که هست، علی با ابتکارهای خود، سامانی نوین بدان بخشیده و تشریحی گرانها بر دیگر آن پوشانده است.

ج - آرایشگری لفظی و گرایش به آهنگین کردن سخن نیز همین حکم را دارد. گرچه نیازی نیست ولی باید یادآوری کرد که هیچ کس با آراستگی و زیبایی سخن، در هیچ روزگار، کاری ندارد. آنچه هست، بر سر ساختگی یا طبیعی بودن آن است. می‌دانیم که در نظر یک سلطان، قرآن حتی از دیدگاه زیبایی و آراستگی ظاهری و لفظی نیز "حجز" بی‌هستاست. در این زمینه قرآن از نهج البلاغه بسی آراسته‌تر و آهنگین‌تر است. گوشه خردی از این بخش واپسین را یکی از پژوهشگران همروزگار فرانسویده است (۸).

د - می‌ماند گونه گفت و گوی علی درباره باران گرامی پیامبر. علی از "جانشینان شایسته" پیش از خود با زبانی سخت گزنده سخن گفته‌است. این همین حقیقت است. ما در اینجا نه قصد زنده کردن انگیزه این کار را داریم و نه می‌خواهیم ثابت کنیم که حق با علی بوده است یا جز علی. آنچه ما می‌دانیم روز پیداست و هیچ گمانی در آن نیست، این است که وی با هم‌زمان خود بر سر شوه جهاننداری اختلاف داشته است. ولی او در همین اختلاف، نه از هنگامی پیگیرانه - صمیمانه با ایشان خودداری ورزیده نه از بازگو کردن آنچه را نادرست می‌انگاشت - به هر زبان، در هر جا، گمان را خوش آید با ناخوش - بر پاهای بخود راه داده است. تشریحی علی به ماهنگ ساختن همین تناقض‌ها در زندگی خویش است. به هر حال، اختلاف "طلیقه" (دست کم) طبیعی‌ترین پدیده در جریان یک پیگار بی‌امان سیاسی است. چرا باید، به جای تحلیل درست آن، برای انکار کردنش بر خویش فشار آوریم؟

در اینجا یادآوری یک نکته دیگر را نیز بایسته می‌دانیم:

- ۱- مستدرک نهج البلاغه، مدارک آن و روشن ساختن ابهام‌های موجود بهرامون آن، نوشته هادی کاشف الغطاء.
 - ۲- مصادر نهج البلاغه، نوشته عبدالزهراسینی، چاپ ۱۹۶۶ بیروت.
 - ۳- پژوهشی در استاد و مدارک نهج البلاغه، از آقای دکتر سید محمد مهدی صفدی، که بیشتر بدان اشارت رفت. آقای صفدی سندها و مآخذهای ۱۴۴ خطبه (ار ۲۴۱)، ۳۳۰ حکمت (از ۴۸۰) و ۶۲ نامه (از ۷۹) را پیدا کرده و یادآور شده است که به ترتیب برای ۷۹، ۱۵۰ و ۱۷ تا از آن هیچ مآخذی نیافته است (۹). بی‌شک، مآخذها از منابع معتبر اهل سنتند و روزگاری پیش از شریف رضی گردآورنده نهج البلاغه را نشان می‌دهند. فرمان امام به مالک اشتر از جمله آن نامه‌هاست که مآخذی برای آن یافت نشده است (ص ۹۹).
- یکی از کاستی‌های کار سید رضی این است که پسند خود را پایه گردآوری سخنرانی‌های

۴۰ شهری

نهج‌ال

به مناسبت هزاره گم

به حق خدا سوگند که داد دستمیله ا تاخواه رستی دو چتر بینی الکنده بهایشخور د

امام علی ساخته. از این رو همه سخنرانی‌ها کرده، سخن‌هایی از آن بی‌سخنرانی‌های بر سعودی (در گذشته ۳۴۴) که اثر تاریخی گزاد پیش از زادن شریف، به پایان آورده می‌گوید سخنرانی دارد که در میان مردم رایج است (۱۰)، علی در سراسر زندگی، به ویژه چهار سال پایان نمی‌نماید. اما در اینجا حرف کم و بسیار - پایه کار خود مازیم، بر اینان بی‌است.

تزدیک به همه مورخان، امام علی را دانسته‌اند. محتاتیل نصبه، نویسنده ناطور، عرب که آثارش را خوانده‌ام، هیچکس را نمی‌گفته باشد. از این ویژگی، همه اندرزهای د پیش او به یک اندازه برخوردارند. آنگاه درم می‌شود که وی آنها را - سرشار از خودآموزی‌ها: جاندار و برنوبنده تا شیخ رباعی اصحاب آمر می‌توان مروریدهای خواند که طبیعت به مرز ۵ را بی رنج و دشواری، بر کران افکنده است.

حرج سخنان جرداتی که این گفته را موشکافانه درباره نهج البلاغه انجام داده لب "شوه" سخن آرای را از چندگوشه با، طالب توانست است گذشته را مآبیده پیوسته ه سرشت سامن‌حاهلی را به هجاری با گونه گفت کردن همصرهای آن اردب کس برناید. هوش خط به خط نهج البلاغه نشان می‌دهد. در اینجا هیچ گونه‌ای اردبدن سپاس می‌ماند و هیچ کم آن، هوشنگی منطقی در مراگرد سعوری است، بیرون می‌تراود و اندیشه سس را می‌روپاند

پهنار و دور پرواز است. در پرتو همین خیال از حرد و آزمون خود به وام می‌گیرد و آنگاه باشد که سنده‌ترین چهارم بر گرانهای آن تابان ا بر اندام همه ایما جامه سرازنده‌های از خ را نوازش می‌دهد. خرد زرشه او توان می- توده‌ها، سرشت کسان و فرکت زندگی اجتماعی بگوید. از همین حالت که می‌تواند پدیده‌ها را سرچشمه‌های آن گام در راهی راست نهد و آبر این خاستگاه است که او به "یکایک هستی" راه همه چیزهای دور از یکدیگر در این جهان، ر سامان‌های بی‌کرانه، ازل و ابد می‌گردد. یکی که وی بی‌آرامی‌های برجوشیده ارشادی و انبوه زور اینها همه از دیدگاه پایه کار بود. اد برداختی سرانگیز دارد. بهره از ذوق هنری است نزدیک به همه پیوندگان راه سخن آوری، دلش تابان و بلورین است. سخن کوتاه است است و برخوردار از هاهنگی مان لفظ و حتی می‌تواند سجع بردازی را از چهره بودن درآید اینکه در گفتارهای او جمله‌های آهنگین، قطع و آن به آسانی درمی‌یابد که گفته‌هایش از تنگنا: آسای سرشتی خود جوش هرچه نزدیکتر است.

سخنرانی برای امام آسان و از عناصر سیاد درون جوشی و پراستکی، منش نالوده، ذوق و دلیل آوری‌های استوار سازنده، سعوی قانع گرد فراوان و تلخ پیگار پیوسته و دردمندی زرف آمی به شط می‌آیند.

همه آنچه درباره کلام او گفته‌شد، تنم سخن را از آن مردم می‌خواند و برای مردم می‌دشت و در برادارد، از یک قطره اشک بنم با سب گرامی است که بکدل و بکریان است با گفته‌های صمیمانه، او از زرفای کردار یک ادبانه‌اش، برز عرب جدا می‌کند. همین است و بس. اگر این ا دارند چنان که اکنون، با این ویژگی، می‌بیند روست اگر می‌باید که در کالبد کلاش مانند پد در اینجا انسان به مادگفته زلیسکی درباره، حواست باشد راز جوشش توفنده زندگی را درم صهای شصت، کرده‌ها و گفته‌های او را دریاب او به مردم نیفته است (۱۴). باز برای چندم گفته نوشته، گرمی آتش و روشنی خورشید را ان وه آراستگی‌های سعوی‌اش، بلکه پایگاهی که گوی حقیقت فراگرفته‌تر که: هرگز چیزی به نام "هنر پیوند با جامه" بشری است که حتی و ارزش پیدا

لرزش قریشی

بلاغه

لرد آوری و تنظیم

از ییلداگر خواهم ستاند و متمکار را خواه راستی خواهم کشاند
اسام علمی

نمونه‌هایی از «شیوه سخن‌آرایی»

چنان که گفتم بیان ربا، هوش سرشار، نیروی دورپرواز، جهان، جامه، برانده، فرزندی و مهر مادری سبب به مردم، از ویژگی‌های بنیادی و منحصربه‌فرد نخبین نخب البلاغه هستند. اکنون دزیرتو آنچه گفته شد، به سونه برگزینی از کلام او می‌پردازیم با یادآوری اینکه درگستان سخن او دامن‌آز دست می‌رود و گلچیدن را برای بیننده هرچه دشوارتر (اگر نگوییم ناممکن) می‌یازد.

بنگردد در این چند جمله که پیرامون گفته شدن سوسن "جانشین شایسته" گفته شده، چه گونه‌نیروی خیال انگیزی، تقسیم‌بندی علمی و استدلال سطحی با یکدیگر درآمیخته است: اگر فرمان گفته‌شدش را می‌دادم، خود پنهانپیش همه بر رخسار شمشیر می‌کشیدم و اگر مردم را از این کار باز می‌داشتم، سرمرازان به بازی‌اش بر می‌خاستم. جز اینکه آن کسی که او را بازی کرده می‌تواند بگوید "کسی دست دست از بازی‌اش باز داشته که من از او بهترم"; و آن کسی که دست از بازی‌اش برداشته نمی‌تواند بگوید "کسی بازی‌اش کرده که از من بهتر بوده است". اینک من سخنی فراتر از "درباره" او می‌گویم: او خوبی‌های زندگی را ویژه، خودساخت و زشتا شویهای که در این کار سرگردد و شما شیون به راه انداخته و بداندیشی (۱۵)!

و در این جمله‌ها که درباره "آرمندگان زیرخاک برداشته شده، بی‌آنکه مردم را مسکواری و زاری شایروزی بخواند، چه شور و زاری از آن ورطه فراموشی و خاموشی به نمایش می‌گذارد و چه گونه نشان می‌دهد که هرچیز زشتی در طبیعت، چون پایه عرصه هنر بگذارد، زیبا می‌گردد.

... ولی اینان جامی نوشانده شده‌اند که زبان گویا را از ایشان گرفته به جای آن گنگی برنشانده، گوی‌های شواشان را ستانده کز ارزانی شان داشته است. درنخستین نگاه گمان می‌بری درخوابی زرف غنوده‌اند. همسایگانند که خانه، هم را نمی‌بینند و دوستان که به دیدار بگذر نمی‌روند. رسته‌های دوستی‌شان فرسوده، پیوندهای برادری‌شان از هم بگسسته. گرچه باهمد از آتش تنهایی می‌گذارند و هرچند بهم نزدیکند، از تب دوری می‌پوزند. با ما را از نام بازی‌اش شناسند و شب را از روز، اگر تباهانگام از این جهان کوچیده باشند، هوارشان شب است و اگر به هنگام روز، تاجاودان همان (۱۶).

و درباره "کارهای جهان، گردش روزگار توده‌ها، شیوه فرمانروایی خود و دیگران، سرشت کسان و فرگشت زندگی اجتماعی مردمان، ببینید چه آگاهانه زبان می‌کشاید. بی‌کمان، شهیدستی درگناون دیدعلی‌جای دارد. او آن را خوب می‌شناسد، به درستی رسته‌هایی می‌کند و راه راستی برای رسته‌کنی آن فرامی‌نماید. اگر کسی بخواهد کافر مسلکی کند یا سخت باوری خودگورانشان دهد، جایش همین جاست زیرا پنهانگامی علمی درزمینه "پرسش‌های احتمالی از زرف کاری‌های او در سطحی و فلسفه شکفت انگیزتر است.

فلسفای که در روزگار او در بخش بزرگی از جهان بر کار بود، مردم را به پایه گذاری کشوری اشراف سالار می‌خواند که باید بار تولید کشاورزی و دیگرکارهای توانفرمای آن را بردگان بردوش بکشند، ساز و برگ آن را پیشروان درست کنند، پادشاهی از آن را "نگهبانان" (از امیران بلند پایه تا سرباز - بردگان) به گردن بگیرند. شیوه فرمانروایی آن را فیلسوف - حاکمان بچشند و این لایه‌های اجتماعی همچنان در تیره‌روزی و نیک اختری خود پایدار ماندند (۱۷).

باورها و آموزش‌های دینی آن روزگار نیز نهادمانی از این بهترنداشتند. یکی بیرون خود را خدا از همه "آرمندگان می‌انگاشت و "قوم برگزیده" خدا" می‌پنداشت (۱۸) و دیگری آواز مگر تن سیاری به خواری و "سربه سرباوت مرگ و نیستی جوان" بود (۱۹).

ادبیات عرب و مهم هم تاسدهاسال پس از او گرفتار پیچیده‌ترین مسأله اجتماعی اسان بود: مسأله "دارایی و ناداری. یکی از بلورین‌ترین مضمون‌های چهارصد سال پس از او درآمده، این واضعیت دردناک بود که:

محتت مطنس چراست کشتی کشتی (۲۰)
و دیگری و دیگری در دوره‌هایی دورتر، چون بی‌نوامی "آزادگان" را می‌نگریست، یا می‌دید که این با رنج بسیار به پاره پلاسی خرسند شده ولی از بافتش به‌جای رفته و آن را به آسانی بریند ارزانی شده ولی با ناز و ناخوشودیش می‌پوشد. برای این پدیده پدید آورنده‌های بی‌شاخ و دم به نام "چرخ"، "فلک" و "روزگار" می‌تراشید، او را پایه "این تقسیم "ناهموار" میان خلق می‌انگاشت و راه دراز و بی‌سرانجام از هم دریدن آن را پیش پای مردم می‌گذاشت. او می‌گفت:

گر بفرمک دست بدی چون بزبان
وزو فلک دگر چنان ساختنی
و دیگری به دنبال او که:
ترسد دست من بپروخ بلند
قسمتی کرد سخت ناهموار
این نباید همی به رنج پلاسی
و دیگری (هنوز هم دبیرت) که شلور درخشا خواری بود، بهترین دانست که این کار (نبرد با فلک) نیز همراه با کوبی و دست افشانی انجام گیرد:

بها تا کل برانشانم و می‌درساغراندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم (۲۳)
در چنین زمینه‌ای، این برش "گنج کهنه" را با آفریننده "نخب البلاغه در زمان بگذارد تا ببیند برداشتن در این پهنه نیز مانند شمشیرش در هوا می‌درخشد.

دارایی چیست و بلای ناداری از کجا بر سر آدمی می‌بارد؟
دارایی زاده، بهره‌کشی به‌دادرگانه است و ناداری فرآورده، ستم طبقاتی. من خود "هیچ نعمت فراوانی ندهدیم مگر اینکه درگناور آن حق‌های پایمال شده بافتم" (۲۲). با بررسی رخدادها و پدیده‌های عینی زندگی اجتماعی به این پیام رسیده‌ام که "هیچ بی‌نوامی‌گرستی نکشد مگر از همان رهگنر و به همان اندازه که توانگری کاروانی روزید" (۲۵). آن "نعمت‌های فراوان" را نیز می‌دانم هزینه، چه کارهایی می‌شود. هزینه، هوسازی و خوش گذرانی. راست است، "زندان‌دوئی سرمایه" شہوت رانی است" (۲۶).

او راه چاره، این ستم طبقاتی را نیز به همان روشنی نشان می‌دهد: کوشش و بهنگار. "هانا کوشش و بهنگاری در این درهای بهشت است که خداوند آن را به روی بندگان ویژه خود گشوده است. بهنگارمندی جامه، بهرگزکاری، دژ استوار خداوندی و سپر ستر او است. هرکس در آن به دیده ناخواهی بهنگرد و از آن روی گردان گردد، خدا بر او پوشش خواری و زبونی می‌پوشاند؛ او خود دچار بهنگاری و درماندگی می‌شود، برداش بردای از تاریکی می‌افتد، حق از او به تاوان پایمال کردن بهنگار و کوشش، روی بر می‌تابد، او را شریک جانگزی ستم‌گشی می‌چشاند و دادگری از او دریغ می‌دارند" (۲۷).

برداشت او درباره "فرمانروایی نبر در همین راستاست. حکومت از نگاه او هرگز "و دمه‌های الهی" نیست که "از سوی طب" به این و آن واگذار گردد و درخاندان او بدر در سر کردنی کند. سخنی از کارکرد همگانی است که احام آن در چهارچوب آیین‌های ویژه به کسی از درون خلق سپرده و به هنگام آن بازگرفته می‌شود. عمل او از وی شیوه، والایی برای بهره‌مندی کاری و دوری از آزمندی می‌سازد و دیگران را در مرزهای توانایی‌شان به سروی ارجود فرامی‌خواند: "هرپوشنده‌های را پشواپی است که اربی وی می‌رود و از برتو او روسی می‌گردد. هاما پشواپی شما از پوشاک دنیا به دوجامه فرسوده و ارجوراک آن به دو کرده، سال سخته کرده است. شما تاب این کارها را ندارید ولی می‌توانید از راه کوشش و بهرگزکاری، درست‌کاری و پاکدامنی مراباری کنید. به خدا سوگند که من از جهان‌شما نه زری اندوسم. به حواس‌های بر روی هم اساتتم و نه برای حاسه‌های فرسوده، خویش جانگزی آماده ساختم" (۲۹).

می‌بینید که پارسی خشک و سخی برای او هدف نیست، اهزاری برای استوارکردن پایه‌های دادگری است. از همین نامه، او به عثمان بن حنیف به روشنی می‌توان دریافت که او کجاها را می‌باید و از چه چیزها رنجیده یا خوشنود می‌گردد: "بسی از درود و ستایش‌جنس شده‌ام که یکی از جوانان بصره تو را به خوانی خوانده و تویی درک داسما شتافه‌ای تا حورش‌های رنگارنگ زری توآرد و ازدیگ‌های گوناگون خوراک برتو کشند. من گمان نمی‌بردم تو به سیهامی کسانی بروی که زراندوزان را می‌خواند و نیازمندان را می‌راند. اینک نیک شکر تاجه در دهان می‌گذاری و دندان برچه می‌شاری. آنچه سرتو بوشیده اسست. از دهان برون افکن و جز آنچه را بی‌گمان پاکره می‌شناسی با کام خود آشنا ساز. این را بدان که من اگر می‌خواستم، به سوی پالوده، این انگمن، هر از این گندم و ایرنمیش این پارچه‌های می‌گشودم و از آن برگی برمی‌بستم. ولی از دامان من دور باد که هوام بر من جیره گردد و آزمندی وادارم سازد تا برای خود خوراک‌های گوناگون برگزیم و آنگاه درکنار وکوتله‌ای از حجار یا پامه کسانی باشند که امید به کرده، ناسی هم نرسد و درباره "سری جیری سز به پادشاورند. با تاگلو انباشته بخوام و شکم‌های توان و حکم‌های بران پیرامون خود را سادبه انگارم. با چنان باشم که آن سخنرا (حاتم طائی) گفته است:

بزرگا دردا که تو باشکم فروکوبیده بخوابی و کرداکرد تو حکم‌های تعسده‌ای باشد که پوست ختکیده در خواب ببینند - تا از آن خورش ساردا! (۳۰).

در اینجا باز فرق بنیادی علی با دیگران است که نقش تمسین کشنده دارد. مرن این است که بازم گفتار او از زرفای کردارش برمی‌چونند. او درپهه، عمل پیشتر هگان است. بیرواوار به سوی آوردگاه می‌شتابد و پشت بر پیام می‌گذارد که هرچه زودتر خود را به من برسانید. می‌گوید: "بخت شما با من کاری ناکهانی نبود... باران من، ای مردم! مراد راه رسیدن به آرمان‌های خودباری کنید. به حق خدا سوگند که داد دل ستمیده از بهدادگر خواهم ساند و ستکار را خواه ناخواه رسن در چنبر بینی افکنده به آبخشور راستی خواهم کشاند" (۳۱).

آری، راز پنهانی نخب البلاغه همین است. این راز شیوه، حاسازانه، برحوردگوبنده، آن با پرسش‌های عینی جامعه است که اگر نتواند، این گفته‌ها درنارهمان اسوه اندرزهای خردشدانه، "تاج نامه" ها و "تصحیح الطوک" ها درمی‌آید. ولی اکنون می‌بینید که آنها را مردم همچون برگ‌های زر از یکدیگری ربایند و اینها را زباله‌دان‌های تاریخ نیز به‌دشواری می‌پذیرند.

- ۱- شماره‌ها برپایه "ترتیب فیض الاسلام" است.
- ۲- تاریخ احتمالی ایران، مرتضی راوندی، ج ۲، چاپ ۱۳۵۲، ص ۲۴۴.
- ۳- برای آگاهی بیشتر از زندگی این دوبرادر دانشمند و بزرگوار، سکرید به: الاعلام، حیر-الدین زکری، ۱۹۵۶، بیروت، ج ۶، ص ۳۲۹ و ج ۵، ص ۸۹؛ ربحانه الادب، محمدعلی مدرس، ۱۳۴۶، تبریز، ج ۳، ص ۱۲۱ و ج ۲، ص ۱۱۸؛ و هبات الامان، چاپ سع حلدی دارصادر بیروت، (بی‌تاریخ چاپ)، ج ۴، ص ۴۱۲ و ج ۳، ص ۲۱۲ (ترجمه‌های شماره ۶۶۷ و ۶۶۸)؛ مقدمه شرح نخب البلاغه، ابن ابی الحدید و مقدمه شرح نخب البلاغه، محمدمنده.
- ۴- پژوهشی دراستاد و مدارک نخب البلاغه، آقای دکتر سید محمد مهدی جعفری، انتشارات ظم، ۱۳۵۶، ص ۲۷-۵۶.
- ۵- میزان الاعتدال فی نقد الرجال، علامه ذهی، تحقیق علی محمدحواوی، چاپ نجف، ۱۹۶۳، بیروت، زیر عنوان "شرح زندگی شریف مرتضی".
- ۶- الاقان فی علوم القرآن، ۱۹۷۳، بیروت، ج ۲، ص ۱۸۷.
- ۷- المداری النحویه، دکتر توفیق صف، ۱۹۶۸، مصر، ص ۱۲.
- ۸- نگاه کنید به گفتار مهدی اخوان ثالث زیر عنوان "آیات خوون افتاده" قرآن کریم - در: پادشاه، علامه امینی، گردآورده، دکتر سید محمد مهدی و محمد رضا حکیمی، انتشارات زمالت قم، ۱۳۵۲، ص ۱۲۵-۱۶۲.
- ۹- ص ۱۴۴ و ۲۰۳، شماره‌ها برپایه "دسته بندی ایشان است. ضمنا میان ارقام پادشاه در این دو صفحه، اشتگی و ناهمخوانی دیده می‌شود.
- ۱۰- مروج الذهب، چاپ ۱۸۶۱/۷۱ پاریس، ج ۴، ص ۴۴۱.
- ۱۱- الامام علی صوت المداللة الانسانیة، ۱۹۵۶، بیروت، ص ۳۶۶.
- ۱۲- همان جا، ص ۳۰۱-۳۲۴.
- ۱۳- همان جا، ص ۲۸۸.

- ۱۴- Soviet Literature: Problems and People, K. Zelinsky, Moscow, Progress, 1970, P. 98.
- ۱۵- سخنرانی ۲۰.
- ۱۶- سخنرانی ۲۱۲.
- ۱۷- از سقراط تا ارسطو، دکتر شرف‌الدین خراسانی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۲، ص ۹۱-۹۶، نیز: A Dictionary of Philosophy, M. Rosenzweig & P. Yafin, Progress, Moscow, 1976, P. 351, "Plato".
- ۱۸- زیرا که تو برای بهیوه، حدایت، قوم مقدسی هستی. بهیوه، خدایت، تو را برگزیده است تا از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمینند، مخصوص برای خود او باشی (سفر تنبه، باب ۲، آیه ۶).
- ۱۹- خوشباه حال شما که اکنون گرسنه‌اید... (انجیل لوما، باب ۶، آیه ۳۱)؛ و هرکه بر رخسار تو زند، دیگری را نیزه سوی او بگردان و هرکه ردای تو را بگیرد، قسا را سز از او مصافحه کن (همان جا، آیه ۲۹).
- ۲۰- ناصر خسرو.
- ۲۱- خبام.
- ۲۲- محمود سعد سلمان.
- ۲۳- حافظ.
- ۲۴- الامام علی، ص ۳۳۳.
- ۲۵- کلمات کوتاه، شماره ۳۲۰.
- ۲۶- شماره ۵۵.
- ۲۷- سخنرانی ۲۷.
- ۲۸- الامام علی، ص ۳۳۸.
- ۲۹- نامه شماره ۴۵.
- ۳۰- همان نامه.
- ۳۱- سخنرانی ۱۳۶.

جنگل‌ها را دریابید! درختان سرمایه ملی کشور ما هستند

در شرایط اضطراری کنونی، یکی از مسائل عمده کشور ما، مسئله سوخت است. تجاوز نظامی صدام خائن در اجرای توطئه آمریکایی، بطور عمده متوجه خورستان است. این حمله بویژه مستقیماً صنایع استخراج و تصفیه نفت ما را تهدید می‌کند. مهم‌ترین منبع انرژی کشور است. در شهرها و در روستاهای کشور مسئله تامین نفت و گاز و شیل محسوس می‌شود و مقامات مسئول، طبق وظیفه‌ای که دارند، باید کوشند که به طریق مختلف مسئله را، مطابق با امکانات موجود و با پند نگرایی، حل کنند و هم‌اکنون نیز در بسیاری نقاط ما شاهد اقدامات و تدابیری در این زمینه هستیم.

آنچه که بویژه می‌خواهیم در اینجا توجه را بدان جلب کنیم، اینست که: در هر یک از روستاها و در مناطق محلی، باید کوشش‌ها را عمل نکرد و در ضمن جلوی برخی اقدامات نادرانه را، که شاید چند روزی مسکن باشد، ولی سالهای سال ما را دچار عوارض دردناک نامطلوبی خواهد ساخت، تشدید و قاطعانه گرفت.

یکی از این اقدامات نادرانه، که در برخی نقاط صورت آشکارا ضد انقلابی و خرابکارانه خود گرفته است، قطع درختان و بیرونی به جنگل‌ها، به منظور تامین سوخت روزانه است. این یک مسئله بسیار جدی است، و ما با احساس مسئولیت، هشجاری دهقانان و اهالی نواحی جنگلی و توجه مقامات مسئول و متعهد دولتی و انقلابی را بدان جلب می‌کنیم.

جنگل‌های ما، به نسبت وسعت کشورمان، محدود است و علیرغم اشتباه یا سوءنظامی که می‌تواند از نظرگاه محلی ناشی شود، در مقیاس کشوری، ما از نظر سطح جنگلی فقیر هستیم. مساحت جنگل‌های ما در مقیاس کشوری، از این جهت که در مقیاس انقلابی خویش، از این تروتی کم‌سهم زبانی از آن نداریم، همانند یک وسیله گرانسپا نگهداری کنیم. ما باید از جنگل‌ها بطور عقلانی و با توجه به اولویت‌ها بهره‌برداری کنیم. نباید از یاد ببریم که کشاورزی ما و توسعه دامپروری ما نیازمند آب است و باید به ادامه موجودیت جنگل‌ها و درختان و گسترش آنهاست. باید چنین دید وسیع انقلابی و مصلحتی است که باید به مسئله حفظ جنگل‌ها بنگریم و به شدت در برابر وضع ناهنجاری که ایجاد و تحمیل شده، عکس‌العمل کرد. صدای مداوم و دلخراش اره‌های برقی، که از دل جنگل‌ها برمی‌خیزد، باید همه وجدان‌ها را بیدار کند. ضربات تیری که درختان را از پای درمی‌آورد، باید هر قلب مردم دوست و متعهدی را به لرزه درآورد. مسئله بسیار جدی است. جای درختان سرنگون شده و گورته‌های نابود شده جنگل را با هیچ چیز نمی‌توان پر کرد. چوب میسوزد و دود می‌شود و این ما جز حسرت چیزی باقی نخواهد ماند. برای زنگ خطر را بجهت بزرگان!

دهقانان! اهالی کوهپایه‌ها و نواحی جنگلی! این وظیفه مهم مصلحتی و انقلابی شماست که از یک تروت اساسی جمهوری اسلامی ایران، تروتی که دیگر متعلق به شماست و از جنگ بی‌خبرها و بی‌پلویی زده‌ها بدرآمده، نگهداری کنید. دشواری‌های ناشی از سرما و زمستان البته فراوان و گاه جانکاه است. ولی قطع بی‌رویه درختان و تجاوز به جنگل‌ها، آینده‌شمارا دچار دشواری‌های علاج‌ناپذیر خواهد ساخت. باید دور هم جمع شوید. شورای ده روستا را تشکیل دهید و با هم همکاری کنید. از سرمایه‌داران و جهاد سازندگی طلب کمک کنید. وسایل و راه‌های رفع نیازهای حیاتی را به سوخت بپردازید. از بهره‌گیری از سوخت‌های سنتی، نظیر تپاله گرفته، تا جیره بندی دقیق و درست مواد نفتی موجود صرفه جویی حداکثری و در نتیجه به خدمت بگردید. تنها در صورت نهایت ضرورت و طبق تصمیم مراجع صلاحیت‌دار و بطور بسیار محدود و موقت به قطع درخت، با تصمیم نوع و عده و منطقه آن، رضا دهید. سودجویان برآماده‌اند تا با غارت جنگل حیب خود را بکنند. ضد انقلابی‌ها فرصت را غنیمت شمرده‌اند و دارند تیشه بر پیشانی یک تروت طبیعی ما می‌زنند و ما را در برابر فشار اقتصادی آمریکا و جنگ اقتصادی این شیطان بزرگ علیه ایران، از یک وسیله موجودیت و مقاومت و پیشرفت محروم می‌کنند.

آری، جنگل وسیله موجودیت و مقاومت و پیشرفت است. خرابکاران ضد انقلابی، دهقانان ما را تحریک و تشویق به بریدن درختان می‌کنند،

با این وسیله را نابود کنند. آنها می‌گویند: حالا که دولت به شما سوخت نمی‌رساند، چاره چیست، جنگل‌ها را ببریم. آنها حتی به درختان جنگلی نیز اکتفا نمی‌کنند. در نواحی کردستان، عوامل کومله آمریکا و سایر ضد انقلابی‌ها، حتی به قطع درختان میوه پرداخته‌اند و می‌گویند دهقانان را، به بهانه مبارزه با سرما، وادار کنند که به باغ‌های میوه حمله کنند و در درختان را از بیخ درآورند. آنها حتی برای یک تن چوب درخت زردآلو، هزار تومان قیمت گذاری کرده‌اند.

مردم روستاها و کوهپایه‌ها و نواحی جنگلی! سهوش باشید! این توطئه، یک توطئه آمریکایی است. این یک اقدام خرابکارانه است. آمریکا با این درختان جنگل علیه مردم و بیتنام، از طریق ریختن مواد شیمیایی با هواپیما، ده‌ها هزار هکتار جنگل را نابود می‌کند. بر کوه‌های آن‌ها را می‌ریختند و درختان را خشک می‌کردند. آمریکا با عناصر ضد انقلابی خود می‌خواهد در برخی نقاط ایران همان کاری را بکند که در ویتنام با مواد شیمیایی و هواپیما می‌کرد.

از جنگل دفاع کنید! از درخت دفاع کنید! این یک وظیفه مهم انقلابی و مصلحتی شماست. با اتحاد و با همکاری و همدردی، با جمع به گرد شوراها و ده‌ها ده و دهستان و با تصمیم‌گیری‌های مشترک و با همکاری و همکاری انقلابی، مسئله را بطوری حل کنید که کمترین زیان به جنگل‌ها برسد و بیشترین عده درختان حفظ شود.

مقامات مسئول دولتی! نهادهای انقلابی! متعهد! به مسئله حفظ جنگل‌ها در این شرایط که از روی ناچاری با ناآگاهی، امکان بهره‌گیری غیر عقلانی و قطع بی‌رویه بسیار زیاد است، توجه لازم را مبذول دارید.

ما هشدار می‌دهیم. از امکانات و مقدرات محلی و استانی بطور معقول استفاده کنید. تا درخت آسیب نبیند. قاطعانه و با شدت هر چه تمام تر جلوی دستهای ناپاک، سودجو، خرابکار و ضد انقلابی را، که به نابودی جنگل‌ها پرداخته‌اند، بگیرد. سیاه پاسداران با کمک‌های می‌تواند نقش اساسی و حیاتی در این زمینه داشته باشد. روحانیت مبارز و متعهد می‌تواند با تعیین تکلیف شرعی در این زمینه، رهنمودهای لازم را به مردم دهد. جهت بازدارنده، تدابیر و اقدامات مقامات مسئول و نهادهای انقلابی البته باید با جهت سازنده و با پند نگرایی همراه باشد. یعنی در همین حال که با شدت و قاطعیت جلوی هر گونه تجاوز به جنگل و قطع بی‌رویه غیر مجاز درخت باید گرفته شود، در همان حال باید کلیه اقدامات ممکن و ضروری، از همه طریق موجود و احتمالی، برای تامین حد اقل سوخت ضروری، با تکیه بر خودکفایی روستاها و کوهپایه‌ها، به عمل آید. اولاً یک سلسله تدابیر سازمانی و اقتصادی و اداری از طریق پوزارتخانه‌های نیرو و کشاورزی و کشور و نهادهای انقلابی، چون سیاه و جهاد و شورای ده لازم است. ثانیا کار توضیحی و اقناعی، منجمله از طریق جهاد و سیاه و مطبوعات و راديو و تلویزیون ضرورت حیاتی دارد. ثالثاً محدودیت‌های جدی و تدابیر مصلحتی و جلوگیری از خودسری‌ها و خرابکاری‌ها لازم است. همه این اقدامات لازم است تا جلوی نابودی جنگل‌ها، درختان و از جمله درختان میوه گرفته شود و در ضمن احتیاج مردم نیز، تا حد ممکن، با تامین مشارکت آگاهانه آنان، برآورده گردد. به هر یک از این سه زمینه کار، اگر از جانب مقامات مسئول دولتی و نهادهای مصلحتی، توجهی نباشد، کار دفاع از جنگل و نجات درختان ایران با این وظیفه مهم مصلحتی و انقلابی در سطح باقی خواهد ماند و بطور کامل انجام نخواهد پذیرفت.

وقت تنگ است. نمی‌توان مسئله را به ما مهملات بعد موکول کرد. هر هفته که می‌گذرد، زبان بار و هر ماه که تاخیر گردد، فاجعه آفرین است.

دهقانان! اهالی نواحی جنگلی! مردم کوهپایه‌ها! مقامات مسئول و متعهد! با نهایت حس مسئولیت به این مسئله جدی و حیاتی توجه کنید. یکبار دیگر به اهمیت عظیم مصلحتی و انقلابی آن بیندیشید. مردم انقلابی ما، برای اعتلای جمهوری اسلامی ایران و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، حتماً و حتماً خواهند توانست بهترین راه حل را در این مسئله نیز پیدا کنند.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

دهقانان شمس‌آباد: هیئت ۷ نفری باید زمین را در اختیار ما بگذارد و بساط مالکان طاغوتی را برچیند

روستای شمس‌آباد در شمال شرقی مرودشت و در نزدیکی نقش رستم قرار دارد. جمعیت این روستا ۲۵۰ خانوار است، که ۷۰ خانوار آن خوش نشین هستند.

بیشتر زمین‌های مرغوب این روستا در اختیار ۴ نفر مالک است. یکی از مالکان این روستا صاحب بیش از ۲۵۰ هکتار زمین و تعدادی تراکتور و باغ و مزارع است. مالکان این روستا اقدام به برده‌کشی زمین‌های خود کرده‌اند، تا به اصطلاح آن را از دسترس قانون و مصادر مرسوم خوش‌نشینان درآمان نگه دارند.

۷ تن از خوش‌نشینان این روستا، بعد از بروز انقلاب، به دفعات کوشیده‌اند تا مقداری از زمین‌های مالکان را در اختیار گرفته و روی آنها کشت کنند، ولی تاکنون بر اثر قدرت‌نمایی مالکان و جماعت‌داران آن‌ها نتوانسته‌اند موفق به محاصره زمین‌ها شوند. خوش‌نشینان، با انتصاب یک شورای سه‌نفره (که یکی از آنان از دهقانان کم‌زمین

بایک جواب سربالا و بی مسئولیت کار راه دیگری معمول می‌کند. من الان زمین ندارم و مجبورم در روستای علیا در حمام روستا کار کنم. من میخواهم کشاورزی کنم. هیئت هفت نفری باید زمین در اختیار ما بگذارد و بساط مالکان طاغوتی را برچیند. این خواست حقه ما بیده‌گری نیستند و بسیار انقلاب برآورده‌شود. این کار باید هر چه زودتر انجام شود. تاخیر نبود بزرگ مالکان طاغوتی است.

مالکان این روستا، بتدریج زمین‌ها را به دیگران می‌فروشد و تصمیم دارند تا هنگامی که هیئت هفت نفری اقدام به تقسیم زمین کند، تمام زمین‌ها را بفروشند و حیب خود را ببرند. جلوی این اقدام ضد انقلابی و ضد مردمی را باید هر چه زودتر گرفت و قانون مصوب شورای انقلاب را هر چه زودتر اجرا کرد.

این روستا، با وجود سکنه زیاد، فقط یک دبستان دارد، که تا کلاس پنجم ابتدایی در آن



مالکان روستای شمس‌آباد دور زمین‌ها را کرده‌اند، تا از اجرای عدالت «مصون» بمانند
با اجرای قانون، حق را به‌حق‌دار برسانید و نرده‌های ظلم و استعمار را برچینید

تدریس می‌شود. دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل سبستی به روستای رنگی‌آباد و با مرودشت بروند. این روستا فاقد حمام و درمانگاه است. اردگر و دارو خیلی ندرت. دهقانان مجبورند بیمارانشان خود را به روستای رنگی‌آباد و مرودشت ببرند. آب لوله‌کشی و برقی این روستا به حرج خود روستائیان کشیده شده است.

همکاری خود دهقانان و تقویت شورا از وظایف اولیه روستائیان است.

باید کار هیئت واگذاری زمین توسط هیئت هفت نفری سرپا آغاز شود. مالکان بزرگ از فرصت کافی تاکنون برای جلوگیری از واگذاری زمین بر خوددار بوده‌اند. با آغاز کار هیئت، دست مالکان بزرگ را از جان و مال دهقانان کوتاه کنید. نمایندگان خود دهقانان را در هیئت هفت نفری شرکت دهید و نظریات شورای آسان را محترم بشمارید.

خواستند از طریق مقامات دولتی زمین‌های مالکان را بگیرند و تقسیم کنند. در این رهگذر آن‌ها به تمام ادارات و ارگان‌ها و نهادهای انقلابی مراجعه کرده‌اند، ولی علیرغم صرف وقت و هزینه فراوان، تاکنون نتوانسته‌اند به خانه‌های خود برگشتند.

ولی حالا که امام خمینی کشت را جهاد کشاورزان نامیده و هر نوع سستی را منع کرده‌اند و اجرای قانون باردیگر از جانب فقهای سزاگانه تأیید شده، باید هر چه زودتر به زمین‌های خود بازگردند. یکی از خوش‌نشینان شمس‌آباد می‌گوید: «تاکنون ما از ترس اینک ما را جماعت‌داران و تنگ‌دازهای مالکان شهبانه به خانه‌های ما می‌برند و زن و بچه‌های ما را ربایند، نتوانسته‌ایم مقاومت جدی در مقابل مالکان بکنیم. بیش از یکسال است که به مراجع مسئول مراجعه می‌کنیم، ولی هر کدام

با اجرای اصلاحات ارضی، فاتحه بزرگ مالکی در روستای قره حسنلو، خوانده می‌شود

روستای «قره حسنلو» از توابع محال نازلوچای شهرستان ارومیه است. که در حدود ۱۵۰ خانوار در آن زندگی می‌کنند. نصف اراضی این روستا در اختیار ارباب ده است. که صفا یک کوره آجرپزی دارد. اهالی روستا اکثراً کم‌زمین و با بی‌زمین هستند. محصولات عمده باغی این روستا سیب و انگور است. از انگور کشتی نیز تهیه می‌کنند. از دیگر محصولات آن، گندم و سیب زمینی را می‌شود نام برد.

دهقانان لبنیات و دیگر مواد را با خود به شهر می‌برند و با فروش آن مواد مورد احتیاج خود را تهیه می‌کنند.

از مشکلات مهم کشاورزان این روستا، کمبود آب زراعی و آبیاری است. آب این روستا از طریق قنات و چاه (که در مالکیت خصوصی چند نفر است) تامین می‌شود. آب این چاه و قنات‌ها ساعتی ۱۵ تومان به کشاورزان فروخته می‌شود. کم پولی به دهقانان تهیست اجازه میدهد که آب به حد کافی تهیه کنند.

بطوریکه حسن حسینی، یکی از دهقانان که نفره‌اش دارد، اظهار می‌دارد: «کمبود آب بدتر از دهقانان را درآورده است».

در این روستا هنوز فقط مدرسه دارای برق است. با اینکه این روستا مرکز دهات زینالو، بیرم‌راد، سنگ‌آباد، جیلتو و غیره است، حمام ندارد. اهالی روستاهای مزبور مجبورند برای استفاده از درمانگاه کوچک قره حسنلو، در دسرهای زیادی تحمل شوند.

با به اجرا گذاردن طرح اصلاحات ارضی، فاتحه نظام اربابی را، که سلب است خون دهقانان را در پیشه کرده، بخوانید.

اگر فصل کمبود آب را در این روستا، همراه با تامین بذری و وام تولیدی (که به شورای ده داده‌شود) حل کنید، بزاساس اجرای قانون اصلاحات ارضی، دهقانان تشویق به تولید بیشتر و کشت وسیعتر خواهند شد. باید برای اجرای رهنمود امام خمینی در مورد جهاد کشت و تولید بیشتر محصول، زمین‌ها آماده ساخت. روستائیان قره حسنلو آماده هستند.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

ماده سوم طرح اداره رادیو و تلویزیون تصویب شد

رئیس مجلس از پشتیبانی حافظ اسد رئیس جمهور سوریه از ایران سپاسگزارى کرد

در تاریخ باید نوشته شود که بچه سیزده ساله‌ای به خود نارنجک می‌بندد و خود را به کالک دشمن می‌زند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، حوادث اخیر صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این جلسه همچنین یکی از مواد مربوط به نحوه اداره رادیو و تلویزیون کشور تصویب شد.

در آغاز این جلسه علم‌الهدایى به‌عنوان اولین سخنران پیش‌از دستور درباره مشکلات کنونی کشور سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«صدام حسین یزیدتر از یزید است، و او، همانطور که امام گفته است، باید پرود در تاریخ باید نوشته شود که بچه سیزده ساله‌ای به خود نارنجک می‌بندد و خود را به کالک دشمن می‌زند و آن را فایود می‌کند و خودش هم به شهادت می‌رسد»

مهری‌زاده سخنران بعدی این جلسه، درباره آوارگان جنگ سخن گفت. او ضمن اشاره به جنایات رژیم صدام‌حسین در خوزستان اظهار داشت:

«مردم غیور خوزستان همانطور که شما در برابر حملات صدام تاب تحمل داشتید، الان هم همان حالت را یشه کنید و با آنها که علم و اطلاعاتی از جبهه‌های جنگ ندارند قاب تحمل یابورید»

او اضافه کرد: «مردم صحت می‌کنند که مردم باید برگردند و در شهرستانها در بلندگوها فریاد می‌زنند که این‌ها فرار کردند باید برگردند. در نتیجه بعضی جاها به این مردم حمله می‌کنند. این مردم ترسیده و شهرشان را ترک کرده‌اند. عده زیادی از شما جبهه‌های جنگ را دیدماید. مثله بر سر جبهه معمولی نیست، موضوع بسیار و حمله با عصبانیت است. هیچ مکتبی قبول نمی‌کند که شما در خانه بمانید و بعد کشته شوید، کام شما را هم شمشیر بگذارند. این جنگ، جنگ جبهه‌ای نیست. آقای استانداری می‌گوید هر که در شیراز و اصفهان و پروچرد است، باید حقوق بگیرد. کجا حقوق بگیرد خانه‌های برای او نمائنه است. باید که کشته شود و شهیدی بر شهیدایمان اضافه شود»

ناطق سوس، ضمن تشریح اوضاع آوارگان جنگ و اسکان آنها، گفت:

«نامه‌ای از شیراز به دستمن رسید، است، از یکی از موکلین، آدرس یادهرو را داده است. این مسئولین مصرند، مردم مصر نیستند. فلان آوارگان خالیست، ولی هنوز صادره نشده است. به مردم فشار آمده است، باید این فشار را تقسیم کرد. در وزارت کشور به خانمی گفتند سند خانه‌ها در خرمشهر را یابور تا من تو را اسکان بدهم»

وی آنگاه به مسئله حقوق کارمندان خوزستان اشاره و پیشنهاد کرد که، ماده واحده‌ای از مجلس بگذرد که از حقوق کلیه کارمندان دولت مبلغی به نسبت هائله کم بکنند، تا دولت در ارتباط با صدمات جنگ از نظر مالی دچار کمبود نشود. مهری‌زاده در پایان از وزیر کشور سؤال کرد که در ارتباط با آوارگان جنگی تاکنون چه اقدامی به عمل آمده است.

دستگیری وزیر نفت

مهری‌فر سخنان بعدی جلسه علنی دیروز درباره دستگیری وزیر نفت توسط جمال پست مرقا سخن گفت. او اظهار داشت:



مجلس

اشاره به سخنان اخیر حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، اظهار داشت: «ما چنین انتظاری از افراد حق‌جو داشتیم. تاکنون لیر، سوریه و الجزایر، که موقیت انقلابی و اسلامی دارند، موضع خود را در رابطه با جنگ عراق با ایران معلوم کرده‌اند. البته علمای معلوم‌العقل عربستان و کویت و هیالکی شاه معدوم در اردن هم موضع خود را روشن کرده‌اند. ما نیازی به تکرار براندان سوریه، الجزایری و لیبیایی نمی‌بینیم، زیرا آنها مشخص داده‌اند که دولتی را که در راه نابودی اسرائیل کمر برمی‌دارد و در حقیقت راهش بر اهداف آن متطبق است، قاید کنند. بهر حال ما از این ظهور خطوط و اعلام مواضع که حقانیت موضع ما را، تأیید می‌کند خوشحالیم و امیدواریم براندان مسلمان و انقلابی ما در کشورهای عربی باعث پیروزی خط انقلاب اسلامی شوند»

رئیس مجلس سپس با اشاره به حوادث اخیر رادیو و تلویزیون و انتصاب مدیران جدید برای آنها گفت:

«تصمیم از این قرار است که اول‌ماه مهر آقای فراخی سرپرست سابق رادیو تلویزیون که به عنوان سفیر، در آخرین روزهای عمر وزارت خارجه سابق به چین رفتند، آقای مبلغی اسلامی را به عنوان قائم مقام تعیین می‌کنند. او نمونه استفاده خود را برای آقای موسوی اردبیلی هم می‌فرستد. آقای موسوی اردبیلی متوجه می‌شوند که کسی که استعفا کرده، دیگر نمی‌تواند برای خود قلم‌مقام تعیین کند و مراتب را با آقای رئیس‌جمهور هم در میان می‌گذارند. ضمناً آقای اسلامی در این روزها شروع به عزل و نصب افراد می‌کند که طبق قانون نبود. امام هم در این مورد گفته بودند که فعلاً عزل و نصب نشود. لذا آقای برصمد به آقای موسوی اردبیلی می‌گویند شما بررسی کنید، ببینید اگر این عزل و نصب بیجاست، شما رسیدگی کنید و ترتیب امور را بدهید. آقای موسوی به آقای مبلغی پیشنهاد می‌کند که عزل و نصب نکند و ق تعیین مسئولین صبر کند. اما آقای مبلغی گوش نمی‌کند»

رهنمود امام خمینی

رئیس مجلس سپس با اشاره به هرچیز موجود در صدام و سیمای جمهوری اسلامی، گفت:

«این موضوع در جلسه شورای عالی دفاع مطرح شد و من آقای رجایی نامه‌ای به آقای مبلغی نوشتم، ولی به این قلم‌هم توجهی نکرد. بعد گفته شد چون جلسه شورای عالی دفاع رسمیت نداشته، آن نامه هم نمی‌تواند رسمیت داشته باشد. در جلسه بعدی شورای عالی دفاع، که قرار بود آقای برصمد هم در آن شرکت کند، ولی ایشان به خاطر مشغله به خوزستان رفته بودند، مجدداً در این مورد تصمیم‌گیری شد. تا اینکه روز جمعه آقای موسوی اردبیلی به دیدار امام رفتند، بعد هم من خدمت امام رسیدم»

در اینجا احمد ملازاده و باباجفیری، دوتن از نمایندگان، ضمن نامه‌ای، امضاء خود را از نامه مربوط به انتصابات جدید در صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران پس گرفتند.

در این جلسه آنگاه بررسی طرح اداره رادیو و تلویزیون آغاز شد و ماده سوم آن مورد بحث قرار گرفت. این ماده اختصاص به صفات نمایندگان منتخب قوای سه‌گانه داشت. در مورد این ماده چند موافق و مخالف سخن گفتند و سپس به رای گذاشته شد و با اکثریت آراء به تصویب رسید. براساس این ماده نمایندگان منتخب قوای سه‌گانه باید دارای این شرایط باشند: سلطان، آگاه، ملزم به وظایف دینی، اعتقاد به اصل ولایت فقیه، آگاهی به امور سیاسی داخلی و خارجی و حسن سابقه.

در پایان این جلسه اعلام شد که مجلس هفت آینده، در صورتی که کار فوق‌العاده‌ای پیش نیاید، بمعزل تصادف یا ایام عاشورا و تاسوعا جلسه نخواهد داشت. جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی امروز تشکیل می‌شود.

ما شاهد بودیم که وزیر نفت هنگام دستگیری کاملاً سالم بود. بنابراین دلایل کافی داریم که در دستگیری به ایشان آسیبی نرسیده است و اگر مسئله‌ای پیش یابید، رژیم صدام مسئول آن است. البته از طریق هلال‌احمر و اوک اقداماتی صورت گرفته است که امیدواریم هرچه زودتر به نتیجه برسد»

وی سپس به دیدار خود از مناطق جنگی اشاره کرد و ضمن سپاسگزاری از کسانی که در جبهه‌ها هستند، افزود:

«گاهی بگویم گویا در بعضی مراجع می‌شود، تصور می‌رود که اگر ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را محترم بشماریم، این مسائل پیش نخواهد آمد. قوا باید منحصراً کار مربوطه را انجام دهند و تفکیک قوا را رعایت کنند. در چنین صورتی بسیاری از مسائل گویا از بین خواهد رفت»

مهری‌فر در قسمت دیگری از سخنان خود، به بعضی از احکام صادره توسط دادستان کل انقلاب اشاره و اظهار عقیده کرد که دادستان کل نمی‌تواند برای صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران مسئول انتخاب کند. وی سپس خطاب به مدیران جدید صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران گفت:

«لطفاً آنها قانوتیت ندارد و حق ندارند یک‌شاهری رد و بدل کنند و اگر قرار است مسئولین عوقتی برای صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران انتخاب شوند، بگذارند که این کار را شورای عالی دفاع بکنند»

مهری‌فر سپس نامه‌ای را که در ارتباط با همین مسئله توسط ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس خطاب به رئیس مجلس نوشته شده بود، قرائت کرد. در این نامه به انتصاب مسئولین جدید صدام و سیمای جمهوری اسلامی اعتراض شده و نمایندگان مزبور خواستار لغو احکام صادره شده بودند. این نامه به امضاء صباغیان، سلامتیان، فردپور، مهری‌فر، لاهوتی، احمد پیشتی، قوی، باباجفیری، سامسی، پرونده، سید احمد حسینی، قنصرت‌پور، جعفری، حاتری‌زاده، اخویان، باقرگان، نجف‌آبادی، کرمانی، رضا رضایی، خورشید دوست، سید ابوالحسن حسینی، مهین‌س سعاری، دکتر سعاری، شهاب محمودی، احمد ملازاده، رجاییان، زقیان، حبیبی، یانزی، خاتم طالقانی، ابراهیم یزدی، شهرکی، دژقوی رسیده بود.

احکام مسئولین جدید

صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران

قوی ناطق بعدی قبل از دستور، به بررسی مشکلات حوزه انتخابیه خود پرداخت. وی از جمله اظهار داشت:

«دایته در این منطقه بعد از پیروزی انقلاب اقداماتی انجام شده است که بهر حال کافی نیست»

وی سپس به صدور احکام مسئولین جدید صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران توسط دادستان کل اشاره کرد و آن را ناقض قانون اساسی شمرد. او در این زمینه و همچنین بازداشت‌صادق قلیزاده و شکنجه سعادتی در زندان، سئوالاتی از دادستان کل انقلاب مطرح کرد.

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن سخنانی، بسا

اتحاد انقلابی...

بچه از صفا ۱

و اتحاد و یکپارچگی خلق است، و ما با دفاع از توحید انقلابی و درست‌شورای عالی دفاع، دیواق از شمار حزب خود دفاع می‌کنیم.

دعوت ما به وحدت، احترام از تفق، کنار گذاشتن مسائل فرعی و غیراسولی و متحد شدن بریمتای آن شمار کبیری که انقلاب ما مطرح کرده. یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - تنها شماری بر روی کفند و یا دیوارو یا ندائی در میتینگ و یا جلسه‌های نیوده است. سرتاسر عمل حزب توده ایران، زندگی حزب توده ایران و همه تلاش و نبرد حزب توده ایران در نهایت روشن-بینی و فداکاری، در سمت‌اجرای آگاهانه و بی‌گهرانه شمار وحدت بوده است و هست و خواهد بود.

شمار وحدت از شناخت علمی جامعه ایران و جهان، اعتماد عمیق به انقلاب و خلق و ایمان راسخ به پیروزی حق بر باطل نامی گفته است. ما چون به حقانیت راه خود اعتماد داریم، از دادن دست اتحاد به همه کسانی که آماده‌اند سادقانه در این راه، یعنی راه استقلال و آزادی ایران و سعادت توده‌های محروم مبارزه کنند، پاکی نداریم، بلکه با جان و دل خواهان آنیم. ما چون به خلق و نیروی لایزال وی اعتقاد داریم، همه نیرو-های خلقی واقعی را هم دوست و برادر و همراه خود میدانیم. لذا تکروری، انصارتللی، جدائی‌خواهی از متحدان و دوستان و براب اولی‌عمل علیه متحدان و دوستان، سیاست حزب ما نیست و نمی‌تواند باشد.

ما در این دوران تحول‌عظیم تاریخی، شمار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را متطبق با منافع اکثریت مطلق مردم ایران، اهم از کارگر و دهقان و کسبه و اصناف و کارمند و روحانی و روشنفکر انقلابی و اقشار میهن‌دوست سرمایه‌دار دانسته‌ایم و میدانیم و بر پایه اینسن تشخیص درست، معتقد بوده و هستیم

که کلیه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت‌های نماینده واقعی طبقات و اقشار اجتماعی فوق‌الذکر، باید براساس همین اشتراك منافع، بر روی اصول اساسی انقلاب متحد شوند، به‌طریق همین منافع خلق، با فداکاری و بزرگواری از روی نظرات معدود خود بگذرند و از روی آگاهی انقلابی، با متحدان طبیعی خود با انقضاس و مدارا رفتار کنند و درست تقاض بیشتر، انصیت بیشتر، درک‌وشناخت متقابل بیشتر و تحمل‌متقابل بیشتر حرکت کنند، تا به يك اتحاد بهتر بر درک و اعتماد و صفا و صمیمیت برسند.

ما در این راه درست انقلابی خود، بدون کترین تردید و لغزشی جلو رفتیم، بدون هیچ‌توقع و چشم‌داشت خاصی درستگر دفع از جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتیم و از جمهوری اسلامی ایران، از خط قاطع ضد‌امپریالیستی و خلقی امام خمینی پشتیبانی کرده‌ایم و می‌کنیم و خواهیم کرد.

ما گاهی بی‌دلیل مورد برهبری

برخی از محافل ناآگاه انقلابی هر‌قرار گرفته‌ایم و می‌گیریم، ولی در خدمتی اصولی و انقلابی ما کترین تغییر و لغزش و تردیدی پدیدار نشده است و نخواهد شد.

ما به این صلابت انقلابی حزب خود و به این متانت و استواری حزب خود افتخار می‌کنیم و انقلابیون غیر-توده‌ای، تمام مبارزان راه استقلال و آزادی ایران و همه مجاهدان راسمدادت مردم ایران را یار دیگر مورد خطاب قرار بدهیم و می‌گوئیم:

دوستان! قدر حزب توده ایران را بدانید، دست اتحاد حزب توده ایران را بفشارید، که این دوست و داره‌مه انقلابیون راستین و یکی از بزرگترین ره‌آورد‌های يك قرن نبرد خونین مردم ایران در راه استقلال و آزادی و زه‌شی از بیوغ استعمار و استعمار است.

حزب ما با يك گنجینه بی‌پایان از تجربه انقلابی خود و دیگر کشورهای جهان، با اعتبار و نفوذ خود، با صداقتی برخاسته از زادگاه خلقی خسود، راه

اصولی و انقلابی خود را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ادامه میدهد و اجرای فراخوان شورای عالی دفاع را در مورد تحکیم اتحاد و احترام از نقای برای همه مدافعان صدیق انقلاب واجب می‌شمرد.

امروز، درحالیکه بسایک جنگ تحمیلی از جانب آمریکا توسط رژیم صدام جانی رو برده هستیم، این اتحاد و اتفاق، پیروزی آخرین است و فردا، که به‌پاز کسب پیروزی در این جنگ عادلانه علیه آمریکا و صدام عامل آن، بازسازی کشور و ساختن ایران مستقل، آزاد و آباد در دستور روز قرار خواهد گرفت، بازهم اتحاد و اتفاق است که ضمانت توفیق ما خواهد بود. پس بیایید در سنگر نبرد، با خون خود یا هر سلك و عقیده‌ای که داریم، بیمان‌اتحاد و برادری را امضا کنیم و این پیمان را برای روزگاران بعد، برای نبردهای فردا، برای نسلهای سرفراز آینده، مساند بزرگترین میراث و برنده‌ترین سلاح دفاع از موجودیت و حیثیت و سعادت خلق خود بیادگار بگذاریم.

سخنرانی رادیو تلویزیونی وینوگراف، سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران، بمناسبت ۷ نوامبر ۱۹۸۰، شصت و سومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

دوستان عزیز ایرانی!

از امکانی که بمن داده شده تا بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای شما صحبت کنم، ابراز سپاسگزاریم. ۶۳ سال پیش در کشور ما، برای نخستین بار در تاریخ بشریت، انقلاب موفقیت آمیزی بوقوع پیوست که هدف از آن ریشه کنی برده کتبی انسان از انسان و آغاز ساختمان جامعه جدیدی بود که در آن افراد تحت ستم و مستمند وجود نداشته باشند. طبیعتی است که آن طبقات در روسیه، که خلق خود را استثمار و جباور میکردند و منافع آن را به بیگانگان میفروختند، دست به مقاومت سرسختانه ای بر ضد انقلاب زدند و جنگ داخلی را برافروختند. دول ۱۴ کشور خارجی، که نه تنها به ضد انقلاب کمک مادی میفرستادند، بلکه قوای نظامی خود را به کشور ما گسیل داشتند، تا با زور و عنف دولت توفیق زحمتکشان را از پای در آورند. به کمک طبقات استثمارگر، که از حاکمیت ساقط شده بودند، شتافتند.

خلق زحمتکش کشور ما با ابراز شجاعت بی نظیر در مقابل دشمنان داخلی و خارجی، به دفاع از انقلاب خود برخاست و در دشوارترین شرایط، بر ضد انقلاب داخلی و خارجی پیروز شد. ارتش های ضد انقلاب شکست خوردند و کلیه مداخله جویان خارجی بیرون رانده شدند. لیکن دشمنان خارجی انقلاب ما آرام نگرفتند. آنها محاصره اقتصادی شدید علیه کشور ما برقرار کردند، تا با ایجاد خرابی و تعطیل کارشکنی، مانع از آن شوند که خلق ما در راهی که خود انتخاب کرده بود، گام بردارد. لیکن این ماسه ضد انقلاب جهانی و نیروهای امپریالیسم نیز با شکست روبرو شد.

خلق ما با تحمل زحمات فوق العاده فراوان توانست اقتصاد ویران را احیا کند، بیسودی را ریشه کن سازد و عقیماندگی خلقهای

کشور ما را جبران نماید. ولی ملت ما اطمینان کامل داشت که راهی که لنین خلق ما را در آن راه هدایت مینمود، راه صحیحی است که با منافع خلق مطابقت دارد.

تا سال ۱۹۴۰ دوره احیاء اقتصاد کشور ما بی پایان رسید و کشور شوروی در راه بعدی، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی خود را آغاز نمود. آنوقت دشمن مخوف جدیدی بنام فاشیسم آلمان ظهور کرد. فاشیسم آلمان مدعی فرمانروایی بر جهان و به تبعیت در آوردن دیگر خلقها و کشورهای اروپا و خاور نزدیک و آسیا بود. ملت ما مجدداً ناگزیر شد با دشمن نیرومندی که پخویی برای هجوم آماده شده بود، وارد نبرد سپهکین گردد. ولی این کوشش ضد انقلاب جهانی نیز شکست خورد. بر اثر قهرمانی تمامی مردم شوروی در جبهه جنگ و در پشت جبهه، به پهای جان ۲۰ میلیون نفر از بهترین فرزندان کشور ما، پیروزی تاریخی بزرگی بدست آمده که در نتیجه آن نه تنها ملت ما، بلکه ملل اروپا و سایر بخشهای کره زمین از خطر انقباد رها مییافتند. اینبار نیز ملت ما مجدداً ناگزیر شد ماسه عظیمی برای احیاء اقتصاد خود و جهت تأمین زندگی بهتر و صلح آمیز برای خود و نسل های بعدی بکار برد.

در این روزها، ما مردم شوروی، دوستان با حسن نیت ملت ایران، فقط از این حیث بیاد تاریخ گذشته نزدیک خودمان نمی افتیم که سالگرد انقلاب خودمان را جشن میگیریم. ما می بینیم که در بسیاری از کشورهای که ملت های آنها برای بدست آوردن آزادی خود بکوشیده اند، نیروهای ضد انقلاب عمل میکنند و ملل این کشورها، ناگزیر هستند با از خود گذشتگی بخاطر استقلال خود مبارزه کنند و توطئه های پنهانی دشمنان را کشف نمایند. بهمین جهت ما مزدشوروی با علاقه مراقب سیر انقلاب در ایران هستیم و خواستار موفقیت های

ملت ایران در مبارزه آن به خاطر حصول استقلال واقعی و بنای زندگی بهتر هستیم.

گرچه انقلابها از نظر ویژگیها و جنبه های خود متفاوت هستند، ولی همه آنها دارای قوانین کلی نیز هستند و یکی از این قوانین عبارت از آنستکه، هتیار لازمه حفظ گردد و دشمنان انقلاب تشخیص و از دوستان تمیز داده شوند. ما در این زمینه خواستار موفقیت ملت ایران هستیم.

کشور ما را گاهی اوقات «ابر قدرت» مینامند، یعنی همان اصطلاحی را بکار میبرند که در مورد کشورهای امپریالیستی، که بطوریکه میدانید بحساب استثمار ملل دیگر زندگی میکنند، بکار برده میشود. اصطلاح «ابر قدرت» در مورد اتحاد شوروی غیر قابل قبول و بی اساس است، زیرا تمامی آنچه را که ملت ما بدان نائل شده، با دست خود آن ساخته شده است.

ملت ما با کار و زحمت خود، با عرق جبین و خون خود، جامعه نوینی بوجود آورد که در آن جانی برای بهره کتبی انسان از انسان وجود ندارد. در نتیجه آزاد شدن کار، روسیه به یک دولت رشد یافته صنعتی و کشاورزی با سطح عالی فرهنگ و زندگی مرفه برای مردم تبدیل گردید. دولت ما تمامی قدرت و توان خود را صرف اعتلاء باز هم بیشتر سطح رفاه و استطاعت مردم میکند و در عرصه بین المللی، بصورت سدی در راه امپریالیستها برای برافروختن جنگ جدید جهانی و تحمیل ازادشان به سایر کشورها و ملتها تبدیل شده است. ملت ما در واقع دستاوردهای فراوانی دارد که به آنها اقتضار کند و بهمین جهت هم تصادفی نیست که نیروهای امپریالیستی اینهمه دروغ درباره کشور ما و سیاست آن سرهم بندی میکنند. ولی دروغ، خواه بزرگ باشد و خواه کوچک، هرگز روی خورشید حقیقت را نخواهد پوشانید. تلاشهای مفریان پیبوده و هیت است. ملل جهان در کلیه بخش های مختلف کره زمین به تجربه خود متقند میشوند که در وجود اتحاد شوروی چه کسی را دارند - یک دوست و برادر و متق در مبارزه بخاطر استقلال ملی بر ضد نیروهای ارجحاع و امپریالیسم جهانی.

بقیه در صفحه ۲

بررسی موشکافانه مشی سیاسی صادق قطب زاده ضروری است

صادق قطب زاده را نقل کنیم، تا مظاهر این خط مشی سیاسی بهتر مجسم شود.

در مورد سیاست خارجی:

«... اتهاماتی که به پاکستان زده میشود، دقیقاً از سوی کمونیستهاست جهان است و عده ای مسلمانها که در حقیقت همان کمونیستها هستند که به لبسی اسلامی درآدمانند و عده ای از افراد مسلمان، که کمونیت نیستند ولی... مرعوب کمونیستها هستند... چرا پاکستان نوکر آمریکاست؟ یک دلیل قانع کننده ناکون کسی برای اثبات این مسئله ندانم... این اتهام که کلا جنبه تبلیغاتی دارد، بسیار ناجوانمردانه و بیشرمانه است...»

(اطلاعات، ۲۳ اردیبهشت ۵۹)

و در مورد سیاست داخلی:

«... به نظر من (قطب زاده) روزنامه جمهوری اسلامی حرف زیدان میزند و از لحاظ من... کمترین ارزشی ندارد... اما در مورد پیراه رتن ما (قطب زاده) درست بهمین دلیل که روزنامه های مردم و جمهوری اسلامی می نویسند که ما پیراه میرویم، احسلی میگویم که راه درست و اصلی را میرویم...» (۱۴ خرداد ۵۹ - جمهوری اسلامی) «... مردم میدانند که نوکران واقعی آمریکا اینها هستند...» (۲۷ خرداد ۵۹، اطلاعات).

جایبجا کردن دوست و دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، شیوه عمل مشی سیاسی مورد اجرای صادق قطب زاده بود و هدف از این شیوه عمل چیزی جز مخ انقلاب نداشت و نمی توانست داشته باشد.

مبارزیم که بجاست تمامی فعالیت صادق قطب زاده مورد بررسی موشکافانه قرار گیرد، تا زیربویها و همه شیوه های پیشبرد مشی سیاسی که ایشان اجرا میکنند، کلاً آشکار شود. شاید در جریان این بررسی موشکافانه، مطالب مهم دیگری نیز از پرده برون آفتد.

دو نکته در پایان گفتنی است: مضمون سخنرانی اخیر صادق قطب زاده در تلویزیون، در واقع نفی دستاوردهای انقلاب بود و وجه مشترکی با موضعگیری دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نداشت. به نظر ما این پایان منطقی راهی است که هر کس و هر سازمان و هر گروهی، جدا از راه مبارزه برای تحقق محتوی انقلاب بزرگ ایران - محتوی ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و مردمی جهت نوسازی کشور بسود خلق زحمتکش - در پیش گیرد به آن دچار میشود. این یک نکته.

نکته دوم اینستکه صادق قطب زاده یکسال پست حساس و فوق العاده موثر وزارت خارجه را برعهده داشت، و در این مقام او - باید اذعان کرد - تا حدوی زیادی بر پرده و آشکار عمل میکرد، یعنی هر که ارزیابی عمل او آسان بود، او به همین باید اذعان کرد. مورد انتقاد از سوی بسیاری از سازمانها و نیروهای راستین انقلابی نیز قرار گرفت. با اینهمه، او یکسال دراز در پست وزارت خارجه باقی ماند. چرا؟ بنظر میرسد که حادثه صادق قطب زاده هشدار است. این هشدار را برای آینده نباید فراموش کرد.

سخنرانی صادق قطب زاده، که تحت عنوان «منظره» در ۱۵ آبانماه ۵۹ از تلویزیون (کانال دوم) پخش شد و باعث شد که ایشان (و نیز لبسی اسلامی) تحت ویکرد قرار گیرند، مسئله مهمتری را مطرح میسازد که میبایستی مورد توجه واقع شود، و بنظر میرسد مورد توجه واقع شده است، و آن مسئله خط سیاسی است که صادق قطب زاده، چه هنگام سرپرستی تلویزیون و چه به هنگام تصدی وزارت خارجه، متقیب کرده است.

از آنجا که صادق قطب زاده «لطفه خاصی نسبت به ما داشته است (از جمله در همین منظره تلویزیونی ناسزاها و اتهامات فراوانی تثار حزب توده ایران کرده است) مقدماً لازم به یاد میمانیم که ما کاری به انتخاب خاص، از جمله مشخص ایشان نداشته و نداریم، و آنچه مورد نظر ما بوده و هست، مشی سیاسی است. ما بنا به روش اصولی خود، هر مشی سیاسی را که مخالف با روند تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب، مخالف با تحکیم و تقویت جمهوری اسلامی ایران تشخیص دهیم، مورد انتقاد قرار میدهیم، و بالکس، هر مشی سیاسی را که در «خطاها»، در جهت دسترسی به پیروزی قطعی و نهایی انقلاب، در جهت تأمین استقلال و آزادی واقعی و کامل و همه جانبه و نوسازی کشور به سود مستضعفان و زحمتکشان باشد، قائلید و تقویت میکنیم. برینبنا این روش اصولی، ما حتی از آن نیروهای دربین نیروهای راستین انقلابی، که هنوز شناخت درستی نسبت به حزب توده ایران و مشی سیاسی آن ندارند، ولی در جهت تعمیق انقلاب و پیروزی قطعی و نهایی آن گام برمیدارند، یا تمام نیرو پستیانی میکنیم.

پس سخن بر سر مشی سیاسی صادق قطب زاده، بویژه در دوران تصدی پست بسیار حساس و فوق العاده موثر وزارت خارجه است و نه خود ایشان.

بررسی این مشی سیاسی، که در موارد متعدد و نسبت به تمام موضوعات گرهی بروز کرده، از جمله در برخورد به اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تصرف لانه جاسوسی آمریکا و به مسئله «گروگانها»، شرکت در کنفرانس اسلامی پاکستان، برخورد به شیوه عمل «کیشیون تحقیق» جنایات شاه ملعون، نحوه «عمل» نسبت به پیام گاتر» به امام خمینی و اعلام مخالفت با انتشار متن آن، حتی پس از آنکه بدستور امام خمینی انتشار یافت، شرکت در کنفرانس بین المللی سوسیالیستها، و نحوه و مضمون موضعگیری سیاسی در آن، نحوه برخورد غیردوستانه به رژیمهای نظیر الجزایر و سوزیه و لبی بعنوان رژیمهای «وابسته» از سوئی و به رژیمهای از نوع رژیم ضیاعالحق در پاکستان بعنوان مستقل... از سوی دیگر... بوضوح نشان میدهد که هدف عمده این مشی سیاسی راه گشائی برای سازش غیر اصولی با امپریالیسم آمریکا و ستمسازای در برابر جریان انقلابی قطع وابستگی جمهوری اسلامی ایران از امپریالیسم بوده است. این مشی سیاسی، چه در عرصه بین المللی و چه در داخل کشور، کوششی مستمر داشته که دشمنان انقلاب را بجای دوستان آن و دوستان انقلاب را بجای دشمنان آن معرفی کند، تا بدین وسیله به هدف مذکور برسد. بعنوان نمونه بیجا نیست دو گفته از گفته های

رژیم صدام باید هر چه زود تر وزیر نفت ایران و همراهان او را آزاد کند

مزدوران صدامی، هنگامیکه وزیر نفت و همراهان برای رسیدگی به مسائل مربوط به جنگ و نفت به آبادان میرفتند، در نزدیکی این شهر آنها را ربودند و برخلاف همه قوانین بین المللی و جنگی، اسرای غیر نظامی را به بنداد بردند. در همان روزها فیلم هایی که از تلویزیون عراق و چند کشور دیگر، از جمله فرانسه پخش شد، نشان میداد که وزیر نفت ایران کاملاً سالم است.

چند روز بعد اخبار رسیده از شکنجه گاهای رژیم بنیائیکار صدام فاش کرد که وزیر نفت بشدت دچار خونریزی شده و جان او در خطر است. بدنیال این اخبار، دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام داشت که وزیر نفت زیر شکنجه دژخیمان صدام با خطر مرگ روبرو شده است و رژیم پستی عراق را مسئول جان او و همراهان دانست. رژیم صدام در پاسخ چنین وانمود کرد که گویا وزیر نفت ایران هنگام دستگیری مجروح شده است. از آنجا که فیلم روز دستگیری وزیر نفت ایران و اعلامیه رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران ثابت میکند که محمدجواد قندگویان زیر شکنجه جلاخان صدامی با خطر مرگ روبرو شده است، حزب توده ایران، ضمن محکوم کردن شدید این اعمال غیر انسانی، که برخلاف همه معاهده های بین المللی است، هزیران با دولت جمهوری اسلامی ایران، رژیم پستی عراق را مسئول جان وزیر نفت ایران میداند.

حزب توده ایران از همه احزاب و سازمانهای مترقی دمکراتیک و همچنین از همه سازمانهای بین المللی طلب میکند که بپساکوششهای خود رژیم صدام را وادار کنند تا محمدجواد قندگویان، همراهان او و همه اسرای غیر نظامی را فوراً آزاد کند.

محمدجواد قندگویان، وزیر نفت ایران و جمعی از همراهان او، که همگی از مسئولان شرکت ملی نفت ایران هستند، بیشتر از دو هفته است که در اسارت دژخیمان صدام بسر میبرند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 367
10 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم